روزنامهٔ صبح افغانستان
چاپ همزمان: کابل – هرات
پخش همزمان:
بلخ
پروان
پنجشیر
میدان وردگ
و کاپیسا

# ماندگار

www.mandegardaily.com

سال پنجم ❁ شمارهٔ یکهزار و نود و هفتم ❁ شنبه ۲۲ سرطان/تیر ۱۳۹۲ ❁ ۴ رمضان ۱۴۳۴ ❁ ۱۳ جولای ۲۰۱۳

سعدی

در میانِ دو کس دشمنی میافکن؛ که ایشان چون صلح کنند، تو در میانه شرمسار باشی.

واکنش رییس مجلس به برگزاری لویه جرگه:

# تمدید یک‌روزهٔ قدرت هم پذیرفتنی نیست

صفحه ۶

# لویه‌جرگه؛ سرانجامِ یک معاملهٔ پنهان

صفحه ۷

## افزایش فشارها بر رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران

# خواهان آزادی فوری عزیزالرحمان سخی‌زاده هستیم

گزارشگران بدون مرز بازداشت نویسندهٔ یک مقاله در روزنامهٔ ماندگار را محکوم کرده و خواهان آزادی فوری او از زندان شده است.

این نهاد مدافع روزنامه‌نگاران و رسانه‌ها همچنان افزایش نقض آزادی اطلاع‌رسانی در ماه‌های اخیر در افغانستان را محکوم می‌کند.

عزیزالرحمان سخی‌زاده نویسندهٔ یک مقاله در روزنامهٔ ماندگار، اخیراً به‌گونهٔ غیر قانونی توسط دادستانی کل بازداشت شده است.

گزارش‌گران بدون مرز اعلام کرده است: «از آغاز سال میلادی ۲۰۱۳، چندین روزنامه‌نگار در پی انتشار مقالاتی انتقادی نسبت به مقامات حکومتی، از سوی مراجع عدلی و قضایی یا بازداشت و یا تهدید به بازداشت شده‌اند. در اعلامیه این نهاد آمده است که برخی مقامات حکومتی برای شکایت علیه روزنامه‌نگاران از مقام و قدرت خود سواستفاده و از همکاری برخی مقامات عدلی و قضایی نیز بهره‌مند می‌شوند. بازداشت روزنامه‌نگار و زیر فشار قراردادن وی برای افشای منابع خبری خود، غیر موجه و غیر قانونی است. ما خواهان آزادی فوری عزیزالرحمان سخی زاده هستیم»

از تاریخ ۱۵ سرطان، عزیزالرحمان سخی زاده از سوی دادستانی کل بازداشت و زندانی شده است. علت توقیف این روزنامه‌نگار انتشار مقاله‌یی در تاریخ ۲۵ ثور سال روان، در بارهٔ وجود فساد در ادارهٔ مبارزه با ارتشا و فساد اداری است. وی در حالی با شکایت رییس این اداره عزیزالله لودین تحت تعقیب قرار گرفته که روزنامهٔ

ماندگار پاسخ مسوولان این اداره را نیز براساس قانون منتشر کرده بود.

روزنامهٔ ماندگار نیز از مسوولان حکومتی می‌خواهد که هرچه زودتر عزیزالرحمان سخی‌زاده... ادامه صفحه ٦

## پایگاهی که بیهوده ساخته شد!

در پی انتشار گزارش جدید کاخ سفید از مصرف پول‌های امریکا در برنامه‌های توسعه‌یی غیرضروری، سخنگوی وزارت دفاع افغانستان گفت که آماده‌اند مسوولیت نگهداری پایگاه امریکا در هلمند را از نیروهای امریکایی به عهده بگیرند.

بازرس ویژه امریکا برای بازسازی افغانستان گفته است که امریکا ٣٤ میلیون دالر را صرف ساختمان یک پایگاه نظامی در هلمند کرده که هنوز مورد... ادامه صفحه ٦

اتحادیهٔ اروپا:

# منتظر اصلاحِ معجزه‌آسای امور در دورهٔ کرزی نباشیم

نماینده ویژهٔ اتحادیه اروپا در افغانستان گفت که تلاش‌های صلح میان حکومت افغانستان و طالبان پیش از سال ۲۰۱۵ میلادی نتیجه نمی‌دهد. این در حالی است که تا پایان سال ٢٠١٤ اکثر نیروهای خارجی افغانستان را ترک می‌کنند.

ویگاداس اوشاکاس، نماینده ویژهٔ و رییس هیأت اتحادیه اروپا برای افغانستان روز چهارشنبهٔ هفتهٔ گذشته در جلسه‌یی در مرکز تحقیقاتی «پالیسی امنیتی» در ژنیو گفت: «اتحادیه اروپا از گفت‌وگوهای تحت رهبری افغانستان برای مصالحه حمایت می‌کند. این که افغان‌ها چه کانال‌هایی را انتخاب می‌کنند مربوط به خودشان است».

گفت‌وگوهای صلح افغانستان پیش از شروع رسمی با مشکلاتی مواجه شده است. از یک طرف حکومت

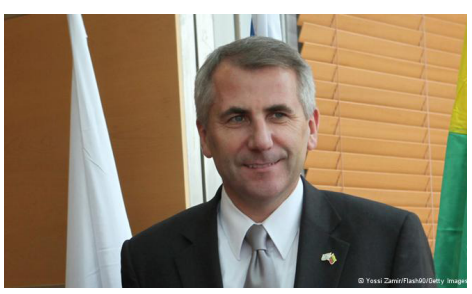

افغانستان از تلاش‌های ایالات متحده امریکا به گفت‌وگوی مستقیم با طالبان برآشفته شده است و از سوی دیگر، گزارش‌ها حاکی است که طالبان دفترشان را در قطر به دلیل «وعدهٔ خلافی»های افغانستان و ایالات متحده امریکا موقتاً مسدود کرده اند.

اوشاکاس که بعد از سه سال انجام... ادامه صفحه ٦

## در برگ ها

هرات؛ شهری در سیطرهٔ بازی‌های قدرت ۲

مردم افغانستان؛ گروگان‌های دیورند! ۴

نیمهٔ خالی با محکومیتِ مضاعف ۵

با طالبان نباید معامله گردد ۷

## سخن ماندگار

# ماجرایِ باز و بسته شدنِ یک دفتر

سرانجام، دفتر طالبان در قطر بسته شـد. اگرچه این بسته شدن به گونهٔ موقتی صورت گرفته؛ اما واضح است که دوباره برگشتن طالبان برای باز شدنِ این دفتر و از سر گرفتنِ گفت‌وگوها، زمانِ زیادی را در بر خواهد گرفت.
زیرا طَالبان ادعا کرده‌اندَ که به‌دلیل به زیر کشیده شدنِ پرچم و لوحهٔ امارت‌شان از این دفتر، این دفتر را بسته‌اند و شرط آن‌ها برای ادامهٔ مذاکرات، دوباره افراشته شدنِ همان پرچم و لوحه است که بدون شک از ناممکنات به‌حساب می‌آید. از این‌رو گفته می‌توانیم که بازگشایی دفتر طالبان در قطر، برای مدتِ نامعلومی به تأخیر خواهد افتاد و حتا این احتمال وجودَ دارد که تا برگزاری انتخابات، این دفتر هم‌چنان بسته بماند.
حالا باید به این پرسش پاسخ داده شود که بسته شدن دفتر طالبان در قطر، چه پیامدی در وضعیتِ موجود خواهد اشت؟
واضح است که اکنون بسته شدن دفتر طالبان در قطر، به معنای تشدید جنگ و مضاعف شدنِ حملات انتحاری و کنارجاده‌یی در کشور است و هم‌چنانَ این اقدام نشان داد که هم امریکا و هم حکومت افغانستان و هم پاکستان، هیچ‌کدام قصدی برای آوردنِ ثبات به افغانستان ندارند. زیرا گشایش دفتر طالبان در قطَر با آن نام و عنوان دل‌خواه، از همان ابتدا بیان می‌کرد که سنگ کلانی بر سرِ راه رسیدن به صلح، گذاشته شده است.
واکنش‌ها از آغاز چنان در برابرِ این دفتر وجود داشت که حتا اپوزیسیون، جریان‌های سَیاسی، حکومت و مردم یک‌صدا از درِ مخالفت با آن سخن گفتند و هیچ چراغ سبزی از هیچ روزنه‌یی به سوی آن روشن نگردید. در سطح جهانی نیز مخالفت‌های شدیدی نسبت به گشایشِ این دفتر صورت گرفت.
این هم واضح شد که امریکا، پاکستان و انگلستان، طرح تجزیهٔ افغانستان را با واگذاری چند ولایت برای طالبان، ریخته‌اند یا حداقل مطرح کرده‌اند. چنانی‌که آقای نوازشریف طرح واگذاری چندین ولایت را برای طالبان، به عنوان یگانه شرط رهایی افغانستان از بحران موجود، به حامد کرزی فرستاده بود.
آقای کرزی که پیش از این بر بنیاد برخی از برداشت‌های قومی و قبیله‌یی، به «دایهٔ بهتر از مادر» برای طالبان تبدیل شده بود و تلاش می‌کرد طالبان را به عنوان یک جریان سیاسیِ مشروع در افغانستان، به جامعهٔ جهانی بقبولاند؛ با باز شدَن دفتر امارت اسلامی در قطر متوجه شد که تیم و حکومتِ تحت امرش، در بحث صلح و یا هم گفت‌وگو با طالبانَ جایگاهی ندارند و در این میانه، بیشترین نُقص به شخصِ خودش می‌رسد. بنابراین صدای مخالفت را بلند ساخَت و حتا امریکای حامی‌اش را به بازی‌های خطرناک و تجزیه کردنِ افغانستان متهم ساخت؛ چیزی که دیگرجریان‌های سیاسیَ در داخل کشور نیز به گونه‌های مختلف از آن سخن گفتند.
اما پیداست که یکی از انگیزه‌های امریکا در گشایش دفتر امارت طالبان، این بوده است تا دریابد که آیا به‌راستی آن‌گونه که آقای کرزی و تیم او و پاکستانی‌ها تبلیغ می‌کنند، طالبان از یک جایگاه مرَدمی و سیاسی در افغانستان برخوردار اند یا خیر. که واکنش‌های داخلی و خارجی به این پرسش پاسخ گفت.
هم‌چنان پاکستان وقتی متوجه شد که همهٔ کاسه‌کوزه‌ها شکسته و هیچ زمینه‌یی برای تطبیقِ برنامه‌هایش از آدرس این دفتر وجود ندارد، به طالبان دَستور داد تا دفتر قطَر را به بهانهٔ اعتراض به پایین آوردنِ پرچم و لوحهٔ امارت اسلامی‌شان، ببندند.
از این‌رو دیده می‌شود تا زمانی که پاکستان نخواهد، این دفتر گشوده نخواهد شد، یا حداقل شرطِ پرچم سفید و لوحهٔ امارت سلامی به‌ساده‌گی تغییر نخواهد کرد و خون‌ریزی بیشتر دامنِ مردم افغانستان را خواهد گرفت. بنابرین خوب است برای آوردن صلح و ثبات به افغانستان، با پاکستان تصفیه‌حساب صورت گیرد؛ چرا که اگر این کشور بخواهد، صلح در افغانستان طی چند ماه برقرار خواهد شد.

تاراحمد فیضی غوریانی / عضو کمیسیون دفاعی و تمامیت ارضی مجلس نماینده‌گان

# هــرات؛ شهری در ســیطرهٔ بازی‌های قدرت

هرات ولایتی که در غرب افغانستان موقعیت دارد، به لحاظ استراتژیک همواره مورد توجه بوده است. این ولایت با داشتنِ دو مرز مشترک با ایران و ترکمنستان و رابطهٔ نزدیک با چهار ولایتِ هم‌جوارِ نیمروز، فراه، بادغیس و غور، به عنوانِ ولایتیَ کلیدی شناخته می‌شود. اما در یک دههٔ گذشته، هرات شهری جنجال‌آفرین نیز بوده است. در این یک دهه شش والی، سه تن از هرات و سه تن دیگر خارج از آن، امور حکومتی را به عهده داشته‌اند. این والیان در زمان خود چالش‌هایی را تجربه کرده‌اند که برخی از این چالش‌ها به دلیل وضعیت بحرانی کشور، قابل توجیه است؛ ولی بخش دیگری از این چالش‌ها می‌تواند به عنوان رفتار سیاسی خاصِ شهروندان هرات در برابر حاکمیت مرکزی وَ یا بازیگران سیاسی محلی، پنداشته شود.

**دلایل ویژه**

۱) شهروندان هرات هرچند که آمدن والیانِ جدید را در روزهای نخست استقبال کرده‌اند، ولَی پس از گذشتِ مدت زمانِ کوتاهی، نسبت به عمل‌کرد و نوع برخورد اداری و سیاسیِ آن‌ها واکنش نشان داده‌اند. اصلی‌ترین دلیل این واکنش‌ها کم‌کاری و بی‌توجهیِ والیان به بازسازی و امنیتِ این شهر عنوان شده است.
۲) شهروندان هرات این مسأله را بی‌مهریِ دولت مرکزی نسبت به این ولایت و بی‌توجهی به خواست‌های مدنی و حقوقیِ خود توصیف کرده‌اند.
۳) شهروندان هرات در مورد قدرت‌های محلی در این ولایت و تعارض‌هایی که هر از گاهی میان آن‌ها به وجود می‌آید، نگاهی بدبینانه دارند و عمدتاً والیان را به مدارا با این قدرت‌ها متهم می‌کنند.
٤) شهروندان هرات نسبت به تعارض‌های برخی ادارات دولتی با یکدیگر شکایت دارند و این‌گونه تعارض‌ها را مانع فعالیتِ این نهادها می‌دانند. مقصر اصلی این‌گونه تعارضَ‌ها نیز همواره والیان معرفی شده‌اند.
۵) اکثریت شهروندانِ هرات از تقرر یک والی غیرهراتی اندیشناک مِی‌شوند و فکر می‌کنند که افراد بیرونی عمدتاً پروای چندانی در بهبود وضعیتِ این ولایت ندارند و عمدتاً تلاش می‌کنند که بدون دردسر، دورهٔ کاری خود را سپری کنند. به عبارت دیگر، افراد خارج از ولایت عمدتاً به حفظ وضعیت موجود می‌اندیشند و نه به تغییر آن. از جانب دیگر، بدبینی نسبت به نیات افراد بیرونی نیز به اندازهٔ کافی در شهروندان هرات رخنه کرده است. آنان اکثر مسوولان خارج از این ولایت را به زراندوزی متهم می‌کنند. این جمله که «آمده که جیب‌های خود را پُر کند»، دیگر به یک ضرب‌المثل در میان شهروندانِ هرات تبدیل شده است.

**چرا چنین است؟**

شاید این دیدگاه شهروندان هرات نسبت به والیان و دیگر مسوولانِ درجه یک در سایر ولایات افغانستان دیده نَشود. از بُعد جامعه‌شناختی، این‌گونه دیدگاه را باید در نوعِ برخورد تاریخی نسبت به این ولایت از سوی دَولت‌های مرکزی دانست. به عنوان نمونه: شاید اکثریت شهروندان هرات نسبت به برخی سیاست‌های ایران در قبال افغانستان نگرانی‌ها داشته باشند، اما هراتی‌ها همواره چوب داشتن گرایش به سیاست‌های ایران را خورده‌اند که از سوی برخی نهادهای دولتی در کابل و یا در کنش و گفتار مردم عادی دیگر مناطق افغانستان، نمود یافته است. این مسأله سبب شده است که هراتی‌ها خود را تافته‌های جدابافته فرض کنند و کمتر نسبت به قضایای کل کشور بیاندیشند. نوع انزوای سیاسی هراتی‌ها در مسایل کلان کشور نیز می‌تواند از چنین آبش‌خوری تغذیه کند.

در ده سال گذشته، هرچند فضای گفتمان سیاسی در کشور نسبت به دهه‌های قبل از آن به نحو چشم‌گیری دگرگون شده؛ ولی هراتی‌ها هم‌چنان سایهٔ بی‌مهری‌های گذشته را بر زنده‌گی سیاسی، اجتماعی و اقتصادیِ خود حس می‌کنند. به گونهٔ نمونه: زمانی که هنوز داکتر داوودشاه صبا والی هرات بود، نماینده‌گانی از جامعهٔ مدنی و بازرگانان هرات به کابل رفتند و از وضعیت ولایتِ خود به مسوولانِ مرکز و از جمله رییس‌جمهوری شکایت کردند. شکایت شهروندان هرات هم شکایتی غیرمعقول و به دور از ادلهٔ منطقی نبود. این خواست به گونهٔ ساده و مدنی به گوش رییس‌جمهوری رسانده شد. خواست اصلی نماینده‌گان جامعهٔ مدنی و بازرگانان هرات از حکومت مرکزی این بود که موجودیت اختلافات در نهادهای اداری این شهر و به‌ویژه میان شهردار و والی، سبب کندی بازسازی و افزایش ناامنی‌ها شده است. خوب است در این خصوص بررسی‌های لازم صورت گیرد و تدابیری برای رفع مشکلات جست‌وجو شود. رییس‌جمهورکرزی نیز در پاسخ به این انتظارات گفت که به‌زودی تغییراتی را در پست‌های کلیدیِ این شهر رونما خواهد کرد. اما حاصل این دیدارَ و اطمینان دادن‌ها چه بود؟
پس از چندی که آقای کرزی ظاهراً این مسأله را از یاد برده بود، داکتر صبا در یک نشست خبری از سمتِ خود به عنوان والی هرات مجبور به استعفا شَد و پس از چند روز، فرد دیگری خارج از ولایت به جای او به عنوان والی هرات از سوی رییس‌جمهوری به هرات فرستاده شد. حالا پرسش این‌جاست که آیا کنار رفتن داکتر صبا، کل مشکل هرات بود که آن‌هم به جسارت خودش پس از پذیرفتن نابه‌سامانی‌ها و موانع موجود بر سر راه اصلاحات، تن به استعفا داد و یا این‌که هرات مشکلاتی بیشتر از این‌ها را تجربه می‌کند و خواهان توجه بیشتر دولت‌مردان کشور نسبت به وضعیتِ خود است؟
شاید برای تصمیم‌گیرنده‌گان حکومت مرکزی، مشکل هرات حل‌شده به نظر برسد؛ ولی شهروندان هرات بهتر از هر کس دیگری می‌دانند که بازهم نسبت به خواست‌های قانونی و مدنیِ آن‌ها توجه نشده است.

**نتیجه:**

این وضعیت، هرات را بازهم نسبت به تصمیم‌های دولت مرکزی بی‌اعتمادتر خواهد کرد و بازهم شاهد تظاهرات و کنش‌های اعتراض‌آمیز جامعهٔ مدنی و شهروندان هرات نسبت به وضعیت نابه‌سامان موجود خواهیم بود. گراف ناامنی‌ها همین حالا به اندازهٔ کافی بالاست و به گفتهٔ بسیاری از ناظران، گروه‌های مسلح شورشی تا اطراف کمربند اول امنیتیِ شهر نزدیک شده‌اند. آدم‌ربایی و قتل‌های مشکوَک نیز هم‌چنان از این شهر گزارش می‌شود. ساخت‌وساز و اسفالت خیابان‌های شهر هرات که به دلیل سپری شدنِ تاریخ انقضای آن‌ها به مخروبه تبدیل شده، پس اَز آغاز کوتاهی همین حالا به دلایل نامعلوم متوقف شده است.
این‌ها دلایلِ کافی‌یی استند که بازهم در هرات شاهد برپاییِ تظاهرات و اعتراض‌های مدنی و قانونی نسبت به وضعیتِ موجود باشیم.

**این وضعیت، هرات را بازهم نسبت به تصمیم‌های دولت مرکزی بی‌اعتمادتر خواهد کرد و بازهم شاهد تظاهرات و کنش‌های اعتراض‌آمیز جامعهٔ مدنی و شهروندان هرات نسبت به وضعیت نابه‌سامانِ موجود خواهیم بود. گراف ناامنی‌ها همین حالا به اندازهٔ کافی بالاست و به گفتهٔ بسیاری از ناظران، گروه‌های مسلح شورشی تا اطراف کمربند اول امنیتیِ شهر نزدیک شده‌اند. آدم‌ربایی و قتل‌های مشکوک نیز هم‌چنان از این شهر گزارش می‌شود. ساخت‌وساز و اسفالت خیابان‌های شهر هرات که به دلیل سپری شدنِ تاریخ انقضای آن‌ها به مخروبه تبدیل شده است. این‌ها دلایلِ کافی‌یی استند که بازهم در هرات شاهد برپایی تظاهرات و اعتراض‌های مدنی و قانونی نسبت به وضعیتِ موجود باشیم**

## اردوغان:
# آمادهٔ مقابله با هرنوع کودتا هستیم

نخست وزیر ترکیه ضمن اعلام مخالفت کشورش با هر گونه کودتا در مصر و دیگر نقاط جهان، جامعه جهانی را به عدم محکومیت کودتای اخیر قاهره متهم کرد و گفت که ماموریت کشورش مقابله با کودتاهای نظامی است چرا که کشورش با کودتا بزرگ شده است.
رجب طیب اردوغان، نخست وزیری ترکیه با تاکید بر اینکه کشورش به شدت با وقوع کودتا در مصر مخالف است اظهار داشت اصول و قوانین ترکیه مبنی بر رویارویی با کودتا در هر مکان است.
اردوغان در مراسم افطار اتحادیه کارمندان بخش مدنی انقره بر مخالفت جدی کشورش با کودتا در مصر تاکید کرد و گفت: قدرت سیاسی که ۵۲ درصد حمایت مردمی را به دست آورده با تانک سرنگون می‌شود.
اردوغان جامعه بین‌المللی را به شکست در محکوم کردن کودتا در مصر متهم کرد و گفت که بجز مصر و چند کشور معدود هیچ کس حتی نام درستی برای این اقدام اعلام نکرد.
وی تصریح کرد: رییس ارتش در مصر رییس جمهور کشور را انتخاب کرد؟ آیا این خواست مردم بوده؟ نه، به همین دلیل این اقدام کودتا است. جهان ندید که مردم مصر برای رایی که درصندوق انداختند به پا خاستند. جهان نخواست که ببیند مردم قتل عام می‌شوند.
اردوغان افزود: شایسته است با هرگونه انقلابی علیه دموکراسی مقابله کنیم چرا که دموکراسی خواست و اراده مردم است بنابراین بدون هیچ دلیل و عذری باید به آن احترام بگذاریم.

# امریکا هنوز نمی‌داند با مصر چه کند

پس از گذشت هفت روز از برکناری رییس‌جمهوری مصر توسط ارتش این کشور، امریکا اعلام کرده است که هنوز تصمیم نگرفته این برکناری را کودتا بنامد یا خیر.
به گزارش خبرگزاری اسوشیتدپرس، جن پساکی، سخنگوی وزارت خارجه امریکا در پاسخ به سوالی در خصوص این که امریکا مرسی را رییس‌جمهوری مشرع مصر می‌داند یا خیر، گفت: واضح است که ملت مصر به صدا درآمده‌اند. دولت موقت در این کشور بر سرکار است و این منجر به راهی به سوی دموکراسی می‌شود. ما امیدواریم و با عوامل بسیاری در این زمینه در ارتباط هستیم اما واضح است که مرسی دیگر روی کار نیست.
وزارت خارجه امریکا همچنین اعلام کرد که در حال بررسی گزارش روسیه مبنی بر استفاده شورشیان سوریه از گاز سارین در حمله‌ای به حلب است اما واشنگتن تاکید دارد که مخالفان سوریه به چنین سلاح‌هایی دسترسی ندارند.
پساکی تأکید کرد: ما امروز تنها یک گزارش دریافت کرده‌ایم. البته به زمان نیاز داریم تا آن را بررسی کنیم. امریکا گزارش موثقی که نشان دهد اپوزیسیون سوریه از سلاح‌های شیمیایی استفاده کرده‌اند، در اختیار ندارد.
وی همچنین روسیه را به «جلوگیری از اقدامات شورای امنیت سازمان ملل برای ورود این سازمان به سوریه و بررسی تمامی اتهامات معتبر» متهم کرد.
همچنین جی کارنی، سخنگوی کاخ سفید اعلام کرد: ما نسبت به برکنار شدن محمد مرسی از ریاست‌جمهوری مصر به شدت نگران هستیم. با این حال، این سخنگوی کاخ سفید تأکید کرد، برای افرادی که می‌خواهند تأثیر منفی بر اتفاقات مصر داشته باشند، عواقبی وجود خواهد داشت.
از سوی دیگر، پساکی تأکید کرد که ۲۲ میلیون مصری با امضای طوماری خواهان برکناری مرسی شده بودند.
وی خاطرنشان کرد: این رقم بسیار قابل توجه است و نشان می‌دهد تعداد زیادی از مصری‌ها نسبت به رویکرد حکومتی مرسی نگران بوده‌اند.
پساکی اعلام کرد: امریکا به ارتش مصر این پیام را به طور واضح اعلام کرده است که نحوه برخورد با افراد دستگیر شده از جمله مرسی و دیگر اعضای اخوان‌المسلمین برای واشنگتن ازاهمیت بسزایی برخوردار است.

## سخنگوی اخوان المسلمین:
# محمد مرسی باید به قدرت بازگردد

جهاد حداد، سخنگوی گروه اخوان المسلمین مصر در مصاحبه‌یی با بی‌بی‌سی، دیدگاه‌های این گروه را در مورد تحولات اخیر مصر و چشم انداز سیاسی این کشور ابراز داشته است.
او گفته است که تا زمانی که محمد مرسی به قدرت باز نگردد، اخوان المسلمین به هیچ مصالحه‌یی تن در نخواهد داد.
متن مصاحبه به شرح زیر است:

**در مورد قانون اساسی موقت که عدلی منصور، رییس جمهوری موقت مصر از آن سخن گفته چه نظری دارید؟**

حداد: عدلی منصور به عنوان رییس جمهوری در برابر وزیر دفاع ادای سوگند کرده است، اینجا نهادی قانونی وجود ندارد، قانون اساسی و مشروعیتی نیست و نمی‌توان بر اساس آنچه فعلا وجود دارد، دولتی تشکیل داد و در محاکم قضایی، چه داخلی چه بین‌المللی، از این وضعیت دفاع کرد؟

**این به آن معنا است که شما با دولت آقای منصور همکاری نمی‌کنید؟**

حداد: عدلی منصور کسی است که سوار بر تانک به صحنه آورده شده تا رهبری دولتی را در دست بگیرد که اصلا وجود ندارد. هیچ چیزی وجود ندارد که ما بر سر آن گفتگو کنیم. او نماینده هیچ کسی نیست. نماینده مردم مصر، محمد مرسی رییس جمهوری منتخب مصر است که در یک انتخابات دمکراتیک انتخاب شده. هر کس که می خواهد مذاکره کند، باید با او مذاکره کند.

**پس اگر از شما دعوت شود در دولت شرکت کنید و در قدرت شریک شوید، این دعوت را نمی‌پذیرید؟**

حداد: قدرت برای ما مهم نیست. آنچه برای ما مهم است، استنفاده از شیوه‌های دمکراتیک است تا صدای مردم شنیده و از مردم نمایندگی شود. اگر ما از همین طریق، یعنی از راه صندوق‌های رای و انتخابات از قدرت کنار زده شویم، با کمال رضایت از انتخاب و اراده مردم استقبال می‌کنیم، نه اینکه تانک‌های ارتش و گروه‌های سیاسی زور گو که با رژیم سابق متحد شده‌اند، ما را از قدرت کنار برنند.

**با این حساب راه حلی که شما پیشنهاد می‌کنید، چیست؟**

حداد: رییس جمهور [محمد مرسی] باید به قدرت برگردد و با او به عنوان نماینده مردم در یک فضای باز گفتگو شود. این رییس جمهور هر تصمیمی که بگیرد و هر نرمشی که نشان دهد، ما آن را قبول می‌کنیم، ولو اینکه با برگزاری انتخابات زود هنگام و اصلاح قانون اساسی موافقت کند. همه چیز بر سر میز مذاکره قابل بررسی است. اما این همه باید آزادانه و با شیوه‌های دمکراتیک انجام شود. شما دو راه در پیش رو دارید، یا با نماینده مردم و رییس جمهوری منتخب شان وارد گفتگو شوید و یا با هم به سوی انتخابات پارلمانی بروید. با آرای تظاهر کنندگانی که روز ۳۰ ژوئن علیه محمد مرسی به خیابان ها ریختند، می توانید کرسی‌های پارلمان را از آن خود کنید، در چنین صورتی هم می‌توانید قانون اساسی را تغییر دهید و هم رییس جمهوری را استیضاح کنید.

**اگر دولت از مردم دعوت کند در یک همه‌پرسی شرکت کنند و تصمیم بگیرند که آیا می‌خواهند یک انتخابات زود هنگام ریاست جمهوری برگزار شود یا نه، آیا نتیجه این همه‌پرسی را این قبول می کنید؟**

حداد: البته، اما پس از آنکه محمد مرسی به قدرت بازگشت.

**پس شما به هیچ راه حلی به جز بازگشت آقای مرسی به قدرت تن در نمی دهید؟**

حداد: او رییس جمهوری منتخب است و باید به قدرت برگردد. ارتش باید دوباره به سربازخانه‌ها برگردد. ما درقرن بیست و یکم زندگی می‌کنیم. نظامیان نمی‌توانند در صحنه سیاسی نقشی ایفا کنند. ارتش حق ندارد وارد سیاست شود.

**اگر بازگشت آقای مرسی به قدرت نا ممکن باشد، شما چه می‌کنید؟**

حداد: همان چیزی را که حالا می‌کنیم. ما در خیابان‌ها حضور داریم. به تظاهرات و تحصن خود در سراسر مصر ادامه می‌دهیم. تظاهرات ما مسالمت آمیز است .

**آیا نگران آن نیستید که ادامه تظاهرات به خشونت بیشتر منجر شود؟**

حداد: ما مخالف توسل به هرنوع خشونت برای نشان دادن اعتراض خود هستیم. باید با خشونت به عنوان یک جنایت برخورد شود، صرفنظر از اینکه چه کسی مرتکب این جنایت می شود، حتی اگر او عضو سازمان اخوان المسلمین باشد. (در ارتباط با رویدادهای خونین روز دوشنبه در برابر گارد ریاست جمهوری) وقتی اوباش مسلح، افراد پلیس و نظامیان به تظاهرات آرام و معترضان مسالمت‌آمیز حمله کرده و به سوی‌شان شلیک می‌کنند، این یک اقدام تلافی‌جویانه نیست، این یک عمل جنایتکارانه است که یک نیروی فاسد و خائن مرتکب می‌شود. به افراد صلح‌جویی حمله می‌کنند که برای دفاع از یک اصل به خیابان‌ها آمده‌اند. ما به تظاهرات مسالمت‌آمیز خود ادامه می‌دهیم حتی اگر این منجر به آن شود که خون بیشتری بدهیم. شاید این خون‌ها، وجدان مصری‌ها و وجدان جهانیان را بیدار کند.

# درآمد ۲۰۰ هزار دالری هیلاری کلینتون از سخنرانی‌هایش

هیلاری کلینتون تنها چند ماه پس از ترک سمت وزارت امور خارجه امریکا به جرگهٔ سیاستمدارانی پیوسته که با سخنرانی‌های خود در داخل و خارج از ایالات متحده پول‌های هنگفتی را به جیب می‌زنند.
به گزارش روزنامهٔ نیویارک تایمز، دستمزد ۲۰۰ هزار دالری برای سخنرانی‌های هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه سابق امریکا به مراتب بیشتر از دستمزد پرداختی به بیل کلینتون، رییس جمهوری اسبق این کشور است که سال گذشته میلادی از محل سخنرانی‌هایش درآمدی ۱۷ میلیون دالری داشت. به طوری که تنها برای سخنرانی در یک کمپانی در نیجریه مبلغ ۷۰۰ هزار دالر دریافت کرد.
البته اینگونه درآمدزایی‌ها برای هیلاری کلینتون که می‌خواهد برای انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ میلادی امریکا خود را نامزد کند، تا حدودی خطرآفرین است. برخی از سناتورهای امریکایی که نظری مساعد نسبت به وزیر امور خارجه سابق امریکا ندارند، از دریافت چنین دستمزدهایی منع شده‌اند. به طوری که یکی از نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۸ میلادی که فرماندار ایالت آرکانزاس بود، در پی انجام یک سخنرانی در جزایر کیمن در دریای کارائیب، از رقابت‌های انتخاباتی کنار کشید.
ماه گذشته میلادی، ۱۷ هزار تن برای شرکت در سخنرانی هیلاری کلینتون در شیکاگو ثبت نام کردند. وی در این سخنرانی در مورد اصلاحات و تغییرات حیطه بهداشت و سلامت و همچنین امنیت و مهاجرت سخن گفت.
وی همچنین در سخنرانی خود در مورد بهار عربی، اوضاع در سوریه و ادوارد اسنودن، افشاگر اطلاعات محرمانه آژانس امنیت ملی امریکا سخن می‌گوید.

## البلاوی:
# امیدوارم دولت جدید مصر تا پایان هفته آینده سوگند یاد کند

نخست و ز یر موقت مصر با ابراز امیدواری نسبت به تشکیل دولت جدید تا پایان هفته آینده اعلام کرد این دولت ائتلافی نخواهد بود.
حازم البلاوی، نخست‌وزیر موقت مصر ابراز امیدواری کرد که تا پایان هفته آینده کابینه وی سوگند یاد کند.
وی در ادامه افزود: دولت آینده مصر به هیچ وجه دولتی ائتلافی نخواهد بود و مانعی ندارد که برخی اعضای اخوان‌المسلمین که محمد مرسی، رییس جمهور برکنار شده مصر نیز عضو آن است، در تشکیل دولت جدید مشارکت داشته باشد.
این در حالی است که منابع خبری آگاه و نزدیک به البلاوی اعلام کردند که قرار است وی هفته آینده کار خود را در ساختمان نخست‌وزیری و بعد از تشکیل دادن دولت جدید شروع کند تا اولین نشست هیات دولت به ریاست وی برگزار شود.

بخش بیست‌وسوم

# مردم افغانستان؛ گروگان‌های دیورند!

غلام‌محمد محمدی

دشمن اصلی پاکستان، زمام‌داران و محافل ناسیونالیستیِ شریکِ حاکمیت‌های استبدادی در افغانستان، همه پشتون‌تبار بوده و هستند. به همین سبب، سیاستِ زمام‌داران و ناسیونالیست‌های قومیِ در مورد پاکستان از ظاهرشاه تا دکتور نجیب‌الهک، مورد حمایت اتحاد شوروی نیز بوده است، چون در آن‌زمان پاکستان به حیث دژ استعمار غرب علیه اتحاد شوروی محسوب می‌شد.

جارج آرنی خبرنگار رادیو بی.بی.سی که هنگام حضور ارتش سرخ در افغانستان، از منطقه گزارش تهیه می‌کرد، می‌نویسد: «جنرال ضیا برای کمک به اقوامی چون تاجیک، ازبک، هزاره... کمترین علاقه‌یی نداشت؛ زیرا به عقیدهٔ او، این اقوام با مردم پاکستان روابط تاریخی و فرهنگی کمتری دارند.» ۹۷

اما در حقیقت هدف جنرال ضیا، تأمین رابطهٔ فرهنگی یا تاریخی نبوده؛ هدفِ او تعقیب یک سیاستِ ابلیسی شمرده می‌شود.

وی به دنبال چیزهای دیگری غیر از این بود، اما این اهداف را با خود به گورستان برد و در ضمن، ملیت‌های غیرپشتون را تا کنون دشمنِ پاکستان ساخت.

استاد امینِ صیقل، مدیر مرکز مطالعات خاورمیانه و آسیای مرکزی در دانشگاه ملی آسترالیا نیز سیاست پاکستان را پس از تجاوز شوروی به افغانستان، «یک سیاست حمایت قومی برون‌مرزی» دانسته می‌نویسد: «رهبران پاکستان با توجه به اقلیت پشتون خود، یک سیاستِ خاص داشته‌اند. چون زمام‌داران قبیلهٔ محمدزایی و زمام‌داران بعدی آن‌ها، نسبت به پشتون‌های پاکستان در چهارچوب تشکیل پشتونستانِ مستقل و یا الحاق به افغانستان، توجه فراوان داشته‌اند، این عملِ آن‌ها پاکستان را وا می‌داشت که در سیاست افغانستان مداخله کند. ورود ارتش سرخ به خاک افغانستان، فرصت‌های منحصر به فردی را در اختیار جنرال ضیا قرار داد.»

چرا جنرال ضیا سیاست فزایندهٔ حمایت از پشتون‌ها را در پیش گرفت و بیشترین کمک‌ها را به گروه‌هایی داد که اکثریتِ آن‌ها پشتون‌تبار بودند؟

یگانه حزبِ مورد حمایت جنرال ضیا، حزب اسلامی به رهبری آقای حکمتیار بود و آی.اس.آی بیشترین کمک‌ها و بهترین تسلیحات را به این حزب می‌داد و او را قدرتمندترین چهرهٔ جهادی در جهانِ آن‌روز برضد ارتش اتحاد شوروی جلوه می‌داد، تا از وی در آینده، یک رهبر دست‌نشانده و مادام‌العمر در افغانستان بسازد.

جنرال ضیا از این سیاستِ شیطانی چند هدف را دنبال می‌کرد:

«۱ـ زمینه‌سازی برای پذیرش گلبدین از سوی مردم افغانستان بعد از خروج ارتش سرخ؛ یعنی یک حکومت پشتونی زیر نفوذ سیاسی پاکستان، برای رسیدن به اهداف استراتژیکِ سیاسی و اقتصادی در منطقه.

۲ـ اتحادِ پشتون‌های دو طرف [در نوعی کنفدریشن که به‌جای مرز دیورند، مناطق پشتون‌نشین در عمق خاک افغانستان مرز واقعی باشد] به منظور پایان بخشیدن به معضلهٔ دیورند.» ۹۸

هم‌چنان سیاست ناگفتهٔ زمام‌داران کشورهای پاکستان، اتحاد شوروی، انگلستان و امریکا در رابطه با حمایت از پشتون‌ها تا کنون این بوده است که زمام‌داران پشتون‌تبار برخلاف مردم عادی پشتون که دارای غرور ملی و شهامتِ مفرط بوده‌اند، معامله‌گرانِ خوب با اجانب از آب برآمده‌اند.

روان‌شناسی سیاسی و اجتماعیِ این کشورها بسیار دقیق بوده است؛ یعنی سیاست‌مدارانِ باثبات و مردم‌قبولِ از هیچ ملیتی در کشورِ ما، تاکنون حاضر نشده است به وسیلهٔ قدرت‌ها و ارتش بیگانه به زمام‌داری برسند، وگرنه به‌راحتی می‌توانستند سال‌های سال حکومت کنند. مثلاً: اتحاد شوروی سابق به جای سلطان‌علی کشتمند در مقام صدر اعظم دوران بحرانی حکومت کارمل که مغز متفکر اقتصادی کشور به حساب می‌آمد، دکتور نجیب‌الها را که در مقام بسیار پایین‌ترِ حزبی و دولتی بود، به ریاست‌جمهوری رساند.

و یا مثلاً پاکستان تا توان داشت تلاش کرد که گلبدین حکمتیار را به جای استاد ربانی به قدرت برساند. امریکایی‌ها به‌جای آقای عبدالستار سیرت در مقام یک دانشمند و کارکشتهٔ سیاسی و اداری دوران پادشاهی ظاهرشاه، درکنفرانس بن آلمان (۲۰۰۱م) با داشتن دوازده رای در مقابل دو رای نماینده‌گان اشتراک‌کنندهٔ کنفرانس بن، آقای کرزی را دست‌گرفته آورده به کرسی ریاست حکومت‌های موقت، انتقالی و دو بار گویا انتخابی رساندند. و یقیناً برنامه‌های دیگری نیز در همین راستا دارند.

چنان‌که آقای سیرت که ازبک‌تبار بود، در مصاحبهٔ رادیویی‌اش با بی‌بی‌سی گفته است: «رییس سازمان استخبارات امریکا (سیا) به من گفت کرزی کارمند ماست، اگر یک رای هم نداشته باشد، او را رییس جمهور افغانستان می‌سازیم. تو خود را کنار بکش!»

هم‌چنان انگلیس‌ها، نادرخان را با تمام امکانات نظامی، سیاسی و اقتصادی به جای امیر حبیب الها خان کلکانی به قدرت مطلقه رساندند، به همین سبب این خانواده از فرمان انگلستان هیچ‌وقت سرکشی نکرد و مدت بیش از چهل سال درین کشور، حکومت نمود. امان‌الله خان، امیر حبیب‌الله کلکانی و استاد ربانی که تسلیم دولت‌های استعمار نبودند، عمر حکومت‌های‌شان کوتاه و پُر ماجرا بود.

پروفیسور برهان‌الدین ربانی بر اثر مداخلهٔ کشورهای استعماری غرب و منطقه به‌ویژه کشورهای پاکستان و ایران نتوانست بیش از ۵ سال در کابل دوام بیاورد، ولی آقای حامد کرزی ۱۲ سال است که در لجن‌زار انواع فساد، جنگ، بی‌عدالتی تقلب و بدنامی به حمایتِ امریکا حکومت می‌کند. او از ایران، امریکا و انگلستان مستمری (پول) می‌گیرد، در برابر پاکستان گاهی قامت خم می‌کند و گاهی خود را شیر می‌خواند. به انگلیس و امریکا وابسته‌گی و در ظاهر امر، گاهی جنگِ زرگری دارد.

به نوشتهٔ آقای اندیشمند، سیاست دوگانهٔ دولت‌مردان و جنرال‌های پاکستانی، از جنرال ضیاء تا مشرف و دیگران در مورد پشتون‌های افغانستان و دولت‌های پشتونی طی سه دههٔ اخیر، یک نمایش ابلیسی و سرچپه بوده است.

اگر سیاست آن‌ها در حمایت از پشتون‌ها بنا شده است، مخالفت زمام‌دارانِ پشتون با زمام‌داران پاکستان و سیاست ادعای ارضی ۶۵ساله بالای خاک آن کشور و مداخلهٔ مستقیم زمام‌داران پاکستان در امور داخلی افغانستان، چه مفهومی دارد؟

# راهکارهایی برای مواجهه با مزاحمان

## (ویژهٔ دختران و زنان)

**۱) چشم‌پوشی نکنید**

دانش‌آموز، دانش‌جو، کارمند یا در هر موقعیتی که هستید، هر گاه احساس کردید که در معرض مزاحمتی قرار گرفته‌اید، در برابر آن سکوت نکنید. بسیاری از افراد با این تصور که این مزاحمت خود به خود قطع می‌شود، در برابرِ آن سکوت اختیار می‌کنند؛ ولی مزاحم در بیشتر موارد، سکوت شما را به عنوان ضعفَ یا تمایلِ شما تعبیر می‌کند و شما را طعمهٔ راحتی فرض می‌کند. فکر نکنید که این ماجرا تقصیرَ شماست و باید تحملش کنید. قاطعانه پاسخ منفی بدهید. در بسیاری از فرهنگ‌ها، مثل فرهنگِ ما که تحمل کردن یک ارزش محسوب می‌شود، چنین سکوت‌هایی فراوان رخ می‌دهند.

**۲) احساساتِ خود را بپذیرید**

طبیعی است که احساس ناامنی و پریشانی کنید. شاید فکر کنید اولین فردی هستید که این اتفاق برایش رخ داده و از این موضوع نگران شوید (در صورتی که شاید رییس شما با کارمندان دیگر نیز همین رفتار را داشته است). شاید تصور کنید که رفتار و کردار خود شما باعث پیش آمدن این مشکل شده و خودتان را سرزنش کنید (البته پوشش و رفتار فرد هم بی‌تأثیر نیست اما در هر حال، مزاحم مقصر اصلی است) و از رفتن به محل کار و تنها ماندن در آن‌جا بترسید.

**۳) با صراحت و قاطعیت از مزاحم بخواهید تا رفتارش را تغییر دهد**

هنگام صحبت کردن دربارهٔ این موضوع کاملاً جدی و قاطع باشید، لبخند نزنید و از او عذرخواهی نکنید. توضیح دهید که این رفتارش شما را آزار می‌دهد و بر روحیهٔ شما تأثیر منفی می‌گذارد. برای مثال می‌توانید بگویید: «وقتی شما این کار را انجام می‌دهید یا این‌طور صحبت می‌کنید، ناراحت می‌شوم و نمی‌توانم بر کارم تمرکز کنم.»

**٤) اگر تذکر کلامیِ شما موثر واقع نشد، برای او یک نامه بنویسید**

در نامه دربارهٔ رفتارَ و گفتار ناخوشایندش توضیح دهید. بنویسید که به چه دلیل رفتار و گفتارش برای شما ناخوشایند است و بگویید که اعمالش را مزاحمت جنسی تلقی می‌کنید. از او قاطعانه بخواهید که از این رفتارش دست بردارد.

**۵) مستندسازی کنید**

یادداشت کاملی از این وقایع برای خود تهیه کنید. این یادداشت باید شامل این موارد باشد: نام کامل مزاحم، عملی که انجام داده، زمان و مکان انجام این عمل (با ذکر ساعت و تاریخ) و ذکر نام شاهد (در صورتی که کسی شاهد ماجرا بوده است). این کار باعث می‌شود که جزییات واقعه را به خاطر بیاورید و دلیل و مدرکی محکم برای اثبات ادعاهای‌تان داشته باشید.

**٦) اگر رفتار مزاحم صورتی علنی پیدا کرده است، از آن چشم‌پوشی نکنید**

چشم‌پوشی از این رفتارها در مراحل اولیه، ممکن است موجب توقف آن شود؛ اما اگر آشکارا مزاحم شما می‌شود، چشم‌پوشی از آن شیوهٔ مناسبی برای مقابله نیست. بسیاری از افراد با این تصور که ماجرا خود به خود پایان خواهد یافت، در برابر آن سکوت می‌کنند. اما مزاحم در بیشتر مواقع این سکوت را ضعف یا موافقتِ قربانی تعبیر می‌کند و باعث می‌شود که هم‌چنان به پیش‌رویِ خود ادامه دهد.

**۷) کمک بگیرید**

موضوع را با یک فرد مورد اطمینان مانند والدین، استاد یا یک دوست در میان بگذارید و از حمایت عاطفی آن‌ها بهره گیرید.

**۸) بی تفاوت نباَشید**

نسبت به علایم اولیهٔ ظهور مزاحمت جنسی حساس باشید و با این تصور که خود به خود از بین خواهد رفت، آن‌ها را نادیده نگیرید.

**۹) شکایت کنید**

در صورت متوقف نشدن رفتار مزاحم، می‌توانید رسماً از او شکایت کنید. فراموش نکنید که شکایتِ شما باید با شواهد و مدارک و مستند و محکم همراه باشد.

**۱۰) کارتان را عوض کنید**

در صورتی که رییس یا همکارتان رویهٔ خود را تغییر نداد، بهتر است محل کارِ خود را عوض کنید؛ زیرا فشار روانی و جسمانیِ ناشی از این پدیده، زنده‌گی خانواده‌گیِ شما را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد.

**۱۱) به مشاور مراجعه کنید**

در صورت لزوم، به یک روان‌شناس و مشاور، مراجعه کرده و از او کمک بگیرید.

منبع: www.bartarinha.ir

عبدالحفیظ منصور

# نیمهٔ خالی
# با محکومیتِ مضاعف

**بخش سوم و پایانی**

## نگاهی به طرح قانون منع خشونت علیه زنان

**د. دفاع افراطی از حقوق زن**

افراطی‌گری تنها در مخالفت و دشمنی نمود نمی‌یابد، بلکه گونهٔ دیگر آن به شکل دفاع بی‌موقع و بدون در نظرداشتِ بستر اجتماعی و شئوناتِ فرهنگی و اقتصادیِ یک جامعه تبارز می‌یابد. حضور نوعِ دوم افراطی‌گری، درِ طرح قانون منع خشونت علیه زنان، بارز و عریان بود. روشن است که افراطی‌گری در هر دو نوع آن، ویران‌گر و مخرب می‌باشد. زیرا نیات و آرزوهای نیک به هیچ‌وجه نمی‌تواند صحتِ برنامه‌های افراطی را ضمانت کند.

از چالش‌های معروف در توسعهٔ انسانی، تقابل میان سنت و مدرنیته است و تاریخ افغانستان نمونه‌های بارزی از آن را در حافظهٔ خویش دارد. متأسفانه افغانستان از این توسعه‌طلبی و آزادی‌خواهی افراطی، بیش از هر چیز دیگری صدمه دیده است و در فرجام، به زیانِ آرمان‌های یاد شده و تقویت باورهای بومی و سنت‌های ناتراش انجامیده است. به گونهٔ مثال، در طرح قانون منع خشونت علیه زنان آمده است: «وقتی پدری، بدون مشورت و نظر دخترش، او را نامزد می‌سازد، مستحق چند سال حبس می‌باشد». و این یکی از نشانه‌های بارز تندروی مدافعانِ حقوق زن است. حال آن‌که در چنین صورتی، همین که دختر نارضایتی خویش را اعلام می‌دارد، معامله از اعتبار می‌افتد و فسخ می‌گردد، و دیگر تقاضای حبس و شلاق زدنِ پدر دختر، بی‌جا و خلاف حقوق والدین می‌باشد. مدافعان حقوق زن با طرح مجازات پدر، از کدام حق دختر دفاع می‌کنند؟ آن‌گاه که پدری بر اثر شکایت دخترش به زندان افکنده شود، میان دختر و خانواده‌اش چه پیوندی پابرجا می‌ماند؟ مگر غیر این است که در این معامله، دختر بیش از دیگران متضرر می‌شود و در حقیقت، مدافعان حقوق زن با این طرح‌شان به‌جای آراستن ابرو، چشم را کور می‌کنند؟ مثال دیگر، بحث لت‌وکوب زن از سوی مرد است که در طرح قانون، به‌صورت عام و مطلق در نظر گرفته شده است. لت‌وکوب در میان جوامع به‌ویژه اعضای یک خانواده، از هر منظری زشت و ناپسند شمرده می‌شود. خانواده‌یی که تجربهٔ این‌چنینی داشته باشد، زنده‌گی را برای خود دوزخ ساخته است و هیچ حظی از زنده‌گی نخواهند برد. ولی واقعیات زنده‌گی با خواست‌ها و آرزوهای انسانی، همیشه در مطابقت قرار ندارد و چه بسا که در خانواده‌ها گاهی فضای درشتی و تندی حاکم می‌گردد. در این حال اگر از لت‌وکوب تعریف مشخصی صورت نگیرد و چهارچوب معینی برای آن در قانون تدوین نگردد، گاهی در یک فضای پُر از هیجان، یک بانو از شوهرش به دادگاه شکایت می‌برد و در نتیجه شوهر به دست شحنه و قاضی کشانده می‌شود، پیامد این مسأله چه خواهد بود؟ مگر بی‌درنگ پای طلاق به میان نمی‌آید؟ و اگر طلاق هم صورت نگیرد، آیا شیرینی و حلاوت خانواده‌گی میان زن و شوهر تا پایان عمر از دست نمی‌رود؟ و آن‌گاه پشیمانی چه سودی به‌بار می‌آورد؟ مگر به‌جا نیست که حدی برای این‌گونه موارد در قانون در نظر گرفته آید؛ از جمله وجود نشانه‌یی از ضرب‌وشتم در وجود زن مشاهده شود تا با استناد به آن، دادگاه بتواند به این‌گونه اعتراضات رسیده‌گی کند. در غیر آن، طرح محکومیت لت‌وکوب به‌طور عام، راه را برای فروپاشی خانواده‌ها می‌گشاید که به تبع آن، با توجه به بستر اجتماعی و فرهنگی افغانستان، زنان زیان سنگینی را متقبل می‌گردند و بدین صورت، طرح مدافعان حقوق زن، به‌جای بهروزی، زنان را به سیاه‌روزی بیشتر می‌کشاند. هرگز چنین مباد!

منع توهین، تحقیر و دشنام توام با مجازات حبس در طرح قانون منع خشونت علیه زنان، مثال دیگری است که مدافعان تندرو حقوق زن، از اروپا و امریکا کاپی کرده‌اند و وارد این طرح ساخته‌اند. بدون تردید هیچ کسی نمی‌تواند از توهین و تحقیر به مدافعه برخیزد، به‌ویژه در میان اعضای خانواده. مسلمان‌ها بیش از هر قوم و گروه دیگر بشری، به تأسی از تعالیم اسلامی مکلف‌اند که از آداب و اخلاقِ زشت و ناپسند به دور باشند، اما آیا در عمل چنین بوده است؟ آیا فرهنگ حاکم در جامعهٔ ما، آلوده به زشتی‌ها و پلشتی‌های توام با افترا، دروغ، توهین و ناسزاگویی نیست و آیا بسیاری از ناسزاها در میان مردم عام، جا باز نکرده و در زبان بسیاری‌ها جاری نشده است؟ آیا در چنین وضعیتی، پیش‌بینی مجازات برای کسانی که زنان را توهین و تحقیر کرده دشنام می‌دهند، هرج‌ومرج بسیاری خلق نمی‌کند؟ (وانگهی، مجازات این‌گونه اعمال ناشایست در قوانین مدنی افغانستان از قبل آمده و نیازی به تکرار آن وجود ندارد؛ زیرا توهین و دشنام به زن و مرد، سزایی را در قبال خود دارد و قوانین بر آن گواهی می‌دهد.)

**هـ. دنیای قدیم و دنیای جدید**

همان‌گونه که با گذشت زمان، ابزار و وسایل نو شده‌اند ـ طوری که تفاوت میان ابزارهای دنیای قدیم و عهد جدید، بسیار بارز و شگفت‌انگیز می‌باشد ـ پابه‌پای پیشرفت فناوری، نهادها و موسسات نیز تحول یافته و باورها نیز دگرگون گشته‌اند.

مخالفت و ایستاده‌گی در برابر وسایل جدید هرچند وجود داشته است، آن‌گونه که گروه طالبان جعبه‌های تلویزیون را حلق‌آویز کردند و وسایل فلم‌برداری را شیطانی خوانده و به‌کارگیری آن را قدغن کردند؛ اما در کلیت، از هواپیما به مقصد زیارت بیت‌الله‌الحرام استفاده می‌شود، در مساجد از لامپ و بلندگو با خوش‌رویی کار گرفته می‌شود. موتر، بایسیکل و نظایر آن‌ها، مهر شیطانی کمتر خورده و با فتوای تحریم علمای سنتی آشنا نشده‌اند. اما زمانی که پای نهادهای جدید به میان می‌آید، مخالفت شدت می‌گیرد، به‌ویژه به نهادهای مربوط به دفاع از حقوق بشر، حقوق روزنامه‌نگاران و حقوق زن، به به دیدهٔ نفرت نگریسته می‌شود. در همین چهارچوب، بحث خانه‌های امن که در قانون منع خشونت علیه زنان آمده است، قابل تحلیل و ارزیابی است. همین اکنون در روستاهای افغانستان منزل پدر، برادر، خانهٔ موی‌سپید، ملا و یا ملک قریه، پناهگاه زنانی است که از سوی شوهران‌شان با خشونت روبه‌رو می‌شوند. به سخن دیگر، «خانهٔ امن» نه پدیده‌یی بی‌سابقه و ناآشنا به مردم است و نه هم موسسه‌یی وارد شده از غرب؛ تنها تفاوت این‌جاست که به متقضای پیشرفت و تکامل نهادهای بشری، این موسسه در حال حاضر به‌صورت مستقل در نظر گرفته شده است. بنابرین مخالفت با «خانه‌های امن»، نمی‌تواند توجیهی دینی داشته باشد. اگر نام این نهاد به مذاق کسی سازگار نمی‌باشد، می‌توان این نام را عوض کرد. و اگر در نحوهٔ مدیریتِ آن ملاحظاتی وجود دارد، می‌شود آن را بهتر ساخت؛ ولی در هر حال به جایی نیاز است تا زنی که مورد ظلم و ستم قرار می‌گیرد، به آن‌جا پناه ببرد و نفسی راحت بکشد. چرا کسانی که از زشتیِ خانه‌های امن سخن می‌گویند و استدلال می‌ورزند، آن زشتی‌های را با ظلم و بیدادی که بر زنان می‌رود و در مواردی جانِ آن‌ها گرفته می‌شود، مقایسه نمی‌کنند تا جانب شرِ قلیل را اختیار ورزند؟ از نظر قانونی، نگاهی به تفاوتِ «فقه» و «حقوق»، جنبهٔ دیگرِ تمایز دنیای قدیم را از دنیای جدید آشکار می‌سازد. بدین معنی که فقه از تکالیفِ انسانی خبر می‌دهد و حقوق از امتیازات آن. فقه از انسانیِ محکوم و بی‌اختیار بحث می‌کند و انسان را به ادای اعمالی که بر او فرض شده است فرا می‌خواند، اما حقوق به انسان اختیار و آزادی قایل است و خواست‌های او را به شناسایی می‌گیرد، که در آن می‌تواند میان کردن و نکردن، یکی را برگزیند. فقه، دنیا را تابع آخرت می‌شمارد و عقبا را اصل می‌انگارد. حقوق، نتیجهٔ آخرت را، به اعمال دنیا منوط می‌داند؛ آن‌که در این دنیا بهتر عمل کرد، آخرتِ نیکو دارد و آن‌که دنیای خوبی نداشت، انتظار آخرت نیکو برایش بیهوده و عبث است. به همین منوال، بشر دیروز تکلیف‌پذیر بود، اما بشر امروز حق‌خواه، انتخاب‌گر و راحت‌طلب می‌باشد. این تغییر، خواه دل کسی را شاد سازد و یا خاطر کسی را ناشاد گرداند، همین‌گونه است. به سخن دیگر، بشر امروز به یمن پیشرفت مناسباتِ تنگاتنگ بشری، در جایگاهی قرار دارد مانند آن‌که کالایی را در مارکیت انتخاب می‌کند، به انتخاب دین و مذهب نیز می‌پردازد. حزب سیاسی، نظام سیاسی، نمایندهٔ پارلمان و رییس‌جمهورِ مورد نظرِ خود را انتخاب می‌دارد، بیعت با وسایل و نهادهای قدیم، بیرون رفته و جای خود را به انتخاب و نهادهای جدید سپرده است. فعل و انفعالات جوامع بشری عصر، گواه این مدعاست. بنابرین کسانی که آماده نیستند تا نسخه‌های آماده‌شده از قبل را تغییر دهند و حاضر نیستند به خواست‌ها و نیازهای انسانی پاسخ دهند، هرچه بیشتر تلاش ورزند، بیشتر خود را خسته ساخته و متاع خود را در انظار عامه، کم‌بها و حقیر می‌سازند. به هر دلیل و دلایلی، زمانهٔ قدیم، چندهمسری را پذیرفته بود. شرایط اجتماعی و وضعیت فرهنگی و اقتصادی حاکم در جوامع، زنان را واداشته بود تا آن وضعیت را بپذیرند. اما زمانهٔ ما راهِ تحصیلِ کار را بر روی زنان گشوده است، آن‌ها را از نظر اقتصادیِ متکی به خود کرده، آگاهی ایشان را در باب حقوق‌شان افزایش بخشیده است. استعداد و توانایی زنان در سطح جهانی به اثبات رسیده و موسسات قدرت‌مندی در دفاع از حقوق زنان به فعالیت افتاده است. پس تغییر شرایط زنده‌گی و شیوهٔ درآمد، ناگزیر به تغییر پوشش و صورتِ حجاب نیز می‌انجامد.

آیا بازهم بر چندهمسری اصرار می‌شود؟ عده‌یی هم هستند به آیهٔ قرآنی استناد جسته می‌گویند: چه کسی حرفِ خدا را می‌تواند دگرگون سازد. در پاسخ به آن‌ها می‌باید گفت که خداوند متعال، خود در چندین مورد دستور قبلیِ خود را دگرگون کرده است، آیات ناسخ و منسوخ بر این امر دلالت دارند. اصحاب رسول‌الله که داناترین مردم به کتاب الله بودند، در مواردی برخلاف ظاهر نص عمل داشتند؛ به طور نمونه خلیفهٔ دوم، تطبیق حد سارق را در سال قحطی به تعلیق درآورد، حصهٔ مولفهٔ‌القلوب را برخلاف نص نپرداخت و گفت، چون سببِ آن از میان رفته، اجرای حکم نیز ساقط شده است. اصل اتفاقی میان اصولی‌ها این است که همهٔ احکام دارای سبب و علت می‌باشد، با این فرق که درک علت و سبب احکام عبادی، پوشیده و خفی است و نیازی نیست که یک مسلمان در پی دلایل فرضیت وضو، غسل، روزه و نماز برآید؛ ولی در معاملات، اسباب احکام قابل درک و شناسایی اند، بدین ترتیب هرگاه اسباب تغییر می‌پذیرد و یا از میان می‌رود، حکم نیز زایل می‌گردد.

در منظومهٔ فکری فقهای سنتی، زن برای تسکین و آرامش روحی مرد، تولید نسل و اطفای غریزهٔ شهوانی، مورد بحث و بررسی بوده است. عصر جدید، چالشی بنیادین در این راستا خلق کرده است؛ صنعت «شبیه‌سازی» یک چالش عمده است و ۸ کشور به این فناوری دست‌رسی یافته‌اند. به دلایلی این صنعت، معطل قرار گرفته است، ولی روشن نیست که چه مدتی این تعطیل پابرجا می‌ماند. ایالات متحده سربازهای رباتی را در جنگ افغانستان به‌صورت تجربی به‌کار گرفت و این در حالی‌ست که شرکت‌های بزرگ صنعتی جاپان، به کارکنان رباتی مجهز می‌باشند. در تازه‌ترین گزارش، یک شرکت چینایی از تولید انسان اعم از زن و مرد از پلاستیک خبر داد و به گفتهٔ مسوولین این شرکت، انسان‌های تولید شده، همه‌کاره‌اند و بیشتر، بازرگانان و دانشجویان خارجی به مقاصد جنسی، مشتری آن خواهند بود. در چنین وضعیتی، آیا با آن دیدگاه پیشین می‌شود حرفی به گفتن داشت و یا این‌که این مسأله از بنیاد دگرگونی و تغییر را خواستار می‌باشد؟ به سخن دیگر، آیا وقتی دستگاه‌های «شبیه‌سازی»، نقش زن را در تولید نسل پُر سازد و آدم‌های پلاستیکی، به نیازهای شهوانی انسان رسیده‌گی کند، مفهوم تشکیل خانواده و حقوق زن و مرد از تهداب دست‌خوش تغییر نمی‌گردد؟ اما علمای دینی، در چنین وضعیتی بازهم در این اندیشه‌اند که زن، امام جماعت شده می‌تواند یا خیر، نامزدی او به ریاست‌جمهوری درست است یا خیر، تک‌همسری خوب است یا چندهمسری! این مسایل فاصلهٔ ما را از سیر زمان به‌خوبی آشکار می‌گرداند. در عین حال، شیخ عبدالعزیز بن باز مفتی اعظم عربستان فتوا می‌دهد که رفتن دختران به مکتب، بهترین مصداق نزدیکی به زنا می‌باشد. وقتی این نظریه در کنار آن تحولات علمی و فنی گذاشته شود، تصویر جالبی به‌وجود می‌آید.

در قرون پیشین، انسان‌ها از طریق غلبه بر یک‌دیگر و یا گله‌داری و کشاورزی امرار معاش می‌کردند که به موجب آن، فرزند پسر می‌توانست به دفاع از قبیله بپردازد و یا به دامداری، کشاورزی و یا امور تجاری که سفرهای طاقت‌فرسایی به همراه داشت، مشغول گردند و بدین شیوه، زنده‌گی خود و خانواده‌شان را نسق و سامان بخشند. اما برخلاف در قرون جدید، شمار سر، قدرت و توانایی یک خانواده، قبیله و ملت را تثبیت نمی‌دارد؛ بلکه علم، دانش، رفاه و میزان بهره‌وریِ یک ملت از فناوری جدید، پیمانهٔ قدرت و توانِ آن را به نمایش می‌گذارد. این سخن بدان معناست: کسانی که کثرتِ اولاد را تشویق می‌دارند و آن را مایهٔ فخر و مباهات پیامبر می‌خوانند، ناگزیر اند که در نظرِ خود بازنگری کنند؛ زیرا مطمیناً پیامبر به امت بی‌سواد، فقیر، بیمار و دست‌نگر هرگز فخر نمی‌ورزد. از دید اجتماعی، فرزند اندک با دانش بالا، صحتِ خوب و اخلاق عالی، بهتر می‌تواند مصدر قوت و خدمتِ به خود و دیگران باشد، نه آن کثرتِ درمانده و ناتوان.

**نتیجه‌گیری:**

طرح قانون منع خشونت علیه زنان بر اثر تقابل دو دیدگاه افراطی از اجندای مجلس بیرون افتاد؛ دیدگاه‌هایی که یکی تطبیقِ نمونه‌هایی از اروپا را پیش‌کش می‌دارد و دیگری با حرکتِ تاریخ و پیشرفت، از درِ مخالفت پیش می‌آید و با یک نگاه ایستاو و راکد، به مسایلِ اجتماعی به‌ویژه در امور زنان می‌نگرد. به باور نویسنده، هر دو جانب راه ناصواب می‌پیمایند؛ هم آن‌هایی که به نظرات‌شان رنگ‌ولعابِ دین می‌دهند، از تعالیم دینی برداشتی متحجرانه دارند و هم کسانی که به عنوان مدافعین حقوق زن، سفارش‌هایی نسخه‌برداری‌شده از غرب را مطرح می‌کنند، مصایب بیشتری بر زنان وارد می‌سازند.

نکتهٔ دیگر این‌که طرح قانون یاد شده، از سه سال بدین‌سو توسط فرمان تقنینی رییس‌جمهور، در مراجع عدلی و قضایی مرعی‌الاجراست و آن عده از نماینده‌گان مردم که در مخالفت با این طرح قرار داشتند، با موضع‌گیری‌های تند و آتشین‌شان کاری را انجام دادند که درست در مغایرت با خواست‌شان قرار داشت؛ زیرا با بیرون شدن این طرح قانون از اجندای جلسهٔ عمومی مجلس نماینده‌گان، تصمیم‌گیری در این باب معطل قرار گرفت و هم‌چنان عمل به فرمان تقنینی، جاری باقی ماند.

به نظر نویسنده، اگر موضع‌گیری‌های تندروانه صورت نمی‌گرفت و هر یک از مواد طرح قانونِ منع خشونت علیه زنان، به بحث و رأی‌گیری گذاشته می‌شد، مباحثات مجلس تا حد زیادی، اضافه‌خواهی‌های هر دو جانب را تعدیل می‌کرد و یک قانون با روح اعتدالی به تصویب می‌رسید. حالا که قرار است این طرح قانون سر از نو در کمیسیون‌های دایمی مجلس به بحث گرفته شود، حقوق‌دانان و علمای دینی با اظهارنظرهای‌شان می‌توانند در این راستا ممد واقع شوند. بسی ناپسند خواهد بود که در این عصر و زمان، در موارد گوناگون قانونی وجود داشته باشد، ولی در مورد منع خشونت علیه زنان، عجز و ناتوانی تمثیل شود. روشن است که نمایش عجز و بیچاره‌گی در این مورد، توهینی‌ست در مورد انسانیت و جفایی در حق اسلام که چهرهٔ آن در انظار جهانیان مخدوش می‌گردد.

**منابع:**

۱. تفسیر نور، مصطفی خرم‌دل، تهران، نشر احسان، ۱۳۸۹ چاپ هشتم
۲. ابوزید، نصر حامد (۱۳۹۱)، حقوق زن در اسلام و بازگشت به قران، مترجمان: رضا یعقوبی و خدیجه منافی، مهرنامه، تهران
۳. انصاری، بشیراحمد (۱۳۸۷)، نگاهی دیگر، نشرات پیام مجاهد، کابل.

### واکنش رییس مجلس به برگزاری لویه جرگه:

# تمدید یک‌روزهٔ قدرت هم پذیرفتنی نیست

بر اساس گزارش‌ها قرار است در آیندهٔ نزدیک لویه جرگه‌یی در بارهٔ چه‌گونگی امضای تفاهم‌نامهٔ امنیتی میان کابل و واشنگتن در کابل برگزار شود.
مجلس نماینده‌گان، احزاب سیاسی و شماری از آگاهان برگزاری این جرگه را خلاف قانون اساسی عنوان کرده و گفته اند که هدف از راه‌اندازی چنین جرگه‌هایی باج‌گیری و چانه‌زنی رییس‌جمهور کرزی برای برآورده شدن خواست‌های شخصی‌اش می‌باشد.
برخی جریان‌های سیاسی ابراز نگرانی می‌کنند که آقای کرزی با برگزاری چنین جرگه‌هایی در تلاش تمدید قدرت خود و تیمش خلاف قانون اساسی افغانستان است.
عبدالرووف ابراهیمی رییس مجلس نماینده‌گان به روزنامهٔ ماندگار گفت که برگزاری هر گونه جرگه‌یی که خلاف قانون اساسی باشد، مشروعیت ندارد.
آقای ابراهیمی می‌گوید که هر گونه فیصله‌یی که چنین جرگه‌های غیرقانونی داشته باشند، خلاف قانون اساسی است و مجلس نماینده‌گان با آن به شدت مخالفت خواهد کرد.
رییس مجلس نماینده‌گان مخالفت جدی خود را با برگزاری چنین نشست‌هایی ابراز داشت.
او گفت: در موجودیت پارلمان افغانستان که مظهر ارادهٔ ملت است، جرگه‌های فرمایشی به هیچ صورت قابل قبول نیست؛ وظایف و مسوولیت‌های شورای ملی در قانون کاملاً صراحت دارد و بناً برگزاری چنین نشست‌هایی منتفی است.
آقای ابراهیمی با بیان این که لویه جرگه‌یی‌که خلاف قانون اساسی برگزار شود، اعتبار و مشروعیت ندارد، تصریح کرد: «این جرگه‌ها اجندای خاصی را که به سرنوشت ملت افغانستان متعلق است، دنبال می‌کند و شورای ملی مظهر ارادهٔ مردم افغانستان است، بناً باید اجندای مذکور با شورای ملی در جریان گذاشته شود، در غیر آن از نظر ولسی جرگه این نشست هیچ گونه اعتبار و مشروعیتی نخواهد داشت.»

**تمدید یک‌روزهٔ قدرت هم اعتبار ندارد**

برخی از جریان‌های سیاسی ابراز نگرانی می‌کنند که رییس‌جمهور کرزی با راه‌اندازی چنین جرگه‌هایی در تلاش تمدید قدرت خویش و به تأخیر انداختن زمان برگزاری انتخابات است.
اما رییس مجلس نماینده‌گان می‌گوید که هیچ کسی نمی‌تواند زمان برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری را که قانون اساسی پیش‌بینی کرده، به تعویق بیاندازد.
عبدالرووف ابراهیمی به روزنامهٔ ماندگار گفت: تأخیر برگزاری انتخابات و تمدیدِ قدرت ولو یک روز، دو روز و یک ماه، خلاف قانونِ اساسی افغانستان است و از سوی هرکسی که صورت گیرد، قطعاً مشروعیت ندارد.
هر چند رییس مجلس نماینده‌گان گفت که آن‌ها تا اکنون به گونهٔ رسمی از برگزاری این لویه جرگه آگاهی ندارند.
در این حال، کمیسیون مستقل انتخابات می‌گوید هیچ بدیلی برای انتخابات وجود ندارد.
نور محمد نور سخنگوی کمیسیون مستقل انتخابات به روزنامهٔ ماندگار گفت که انتخابات بدیلی ندارد.

**چانه‌زنی برای حمایت از کاندیدای کرزی**

آگاهان می‌گویند که اگر مسألهٔ امضای پیمان امنیتی میان کابل و واشنگتن در این جرگه به مشورت گذاشته شود که پیش از این جرگهٔ دیگری در این باره فیصله کرده بود.
به گفتهٔ آن‌ها، امضای تفاهم‌نامهٔ امنیتی مشمول متن پیمان راهبردی میان کابل و واشنگتن است که پیش از این لویه جرگه‌یی مشورتی آن را تائید کرده بود.
تأخیر امضای تفاهم نامهٔ امنیتی میان کابل و واشنگتن و واگذاری هرگونه تصمیم در این باره در جرگه‌یی واکنش احزاب و ائتلاف‌های سیاسی را برانگیخته است.
احزاب و ایتلاف‌های سیاسی می‌گویند که رییس‌جمهور کرزی به بهانهٔ برگزاری جرگه برای امضای تفاهم نامهٔ امنیتی میان کابل و واشنگتن، اجندای مشکوکی را در این جرگه پیش خواهد کرد.
سخنگوی ایتلاف ملی می‌گوید که بیشتر رییس‌جمهور کرزی به خاطر امتیازات و منافع خودش با امریکا چانه‌زنی می‌کند، نه به خاطر منافع و مسایل کلان افغانستان.
فاضل سانچارگی گفته که کرزی از امریکا می‌خواهد که از کاندیدای مشخص او حمایت کند و همچنان برای او مصونیت قضایی بدهند.
در این حال، ایالات متحدهٔ امریکا آمادهٔ گفت‌وگوها در بارهٔ امضای تفاهم نامهٔ امنیتی با کابل است.
دیوید سنیپ سخنگوی سفارت ایالات متحدهٔ امریکا در کابل گفته است: «ایالات متحدهٔ امریکا از یک افغانستان مستقل، مردم‌سالار و متحد پشتیبانی می‌کند و به صلح متعهد است. امریکا به گفت‌وگو دربارهٔ توافقنامهٔ امنیتی دوجانبه که اهداف مشترک‌مان را پشتیبانی می‌کند، نیز آماده باقی خواهد ماند.»
تأمین صلح دایمی در افغانستان، حمایت از افغانستان در برابر تهدیدهای بیرونی ظاهراً از شرط‌های اساسی حکومت افغانستان برای امضای تفاهم نامهٔ امنیتی با واشنگتن به شمار می‌رود.
اما چگونه‌گی سپردن مصونیت قضایی به نیروهای امریکایی یکی از موضوعات بحث‌برانگیز میان کابل و واشنگتن بوده است.

## پایگاهی که بیهوده...

بهره‌برداری قرار نگرفته است.
در یک گزارش تازه بازرس ویژه امریکا از بازسازی افغانستان آمده است که این ساختمان برای مرکز فرماندهی نیروهای امریکایی در حوزه جنوب غرب افغانستان طراحی شده بود که بنابر دلایل نامعلومی همچنان بی‌استفاده مانده است.
جان ساپکو، بازرس ویژه امریکا برای بازسازی افغانستان گفته است که فرماندهان نظامی در ماه می سال ۲۰۱۰ میلادی تأکید کرده‌اند که هیچ نیازی به چنین تسهیلاتی ندارند، اما با وجود این کار این ساختمان تا سال ۲۰۱۳ میلادی، ادامه پیدا کرد و تکمیل شد.
مقام‌های نظامی به بازرس ویژه امریکا گفته‌اند که پروژهٔ ساختمان نظامی در هلمند «نمونه‌یی از مشکلات» در تاسیس پایگاه‌های نظامی در افغانستان است که وقتی کار ایجاد یک ساختمان نظامی شروع شد، «مشکل است که متوقف شود.»
ساپکو به نقل از مقام‌های امریکایی گفته است: «این پایگاه برای تقسیمات نظامی طراحی شده بود و قبل از شروع کار، تصمیم گرفته شد که این ساختمان نباید ساخته شود اما به طور نامعلومی کار ادامه پیدا کرد و ساختمان تکمیل شد.»
بازرس ویژه امریکا برای بازسازی افغانستان ابراز نگرانی کرده است که این پروژه نشان می‌دهد که در افغانستان پول در بخش‌هایی هدر رفته که امکان جلوگیری آن وجود داشته است.
وی همچنین گفته که حالا مقام‌های نظامی امریکایی روی این فکر می‌کنند که با توجه به خروج نیروهای خارجی از افغانستان و کاهش سربازان، این ساختمان نظامی را یا تخریب کنند و یا به دولت افغانستان بسپارند.
ساپکو گفته که با هر دو گزینه با مشکل روبه‌رو هستند چون از یک سو دولت افغانستان ظرفیت نگهداری این پایگاه را ندارد و از سوی دیگر کار تخریب دشوار و هدر رفتن ۳٤ میلیون دالر پول است.
با وجود این نگرانی‌ها دولت افغانستان می‌گوید که توانایی تحویل‌گیری این ساختمان نظامی را دارد.
جنرال ظاهر عظیمی، سخنگوی وزارت دفاع ملی در یک تماس تلفنی به شبکه خبری بی.بی.سی گفت که آماده‌اند مسوولیت نگهداری این ساختمان را از نیروهای امریکایی به عهده بگیرند.
امریکا هنوز تصمیم قطعی خود را در مورد سرنوشت این ساختمان نظامی اعلام نکرده و مشخص نیست که این ساختمان را تخریب می‌کند و یا در اختیار دولت افغانستان قرار می‌دهد.
دولت افغانستان تا سال ۲۰۱٤ میلادی باید برای خروج نیروهای نظامی خارجی آماده شود و انتظار دارد که نیروهای بین‌المللی پس از خروج از افغانستان، تجهیزات و پایگاه‌های خود را در اختیار نیروهای امنیتی افغانستان قرار بدهد.
بازرس ویژه امریکا برای بازسازی افغانستان گفته است که ساختمان پایگاه نظامی هلمند برابر با معیارهای امریکا ایجاد شده و از مجهزترین ساختمان‌های نظامی در افغانستان است که با ٦٤ هزار فوت مربع مساحت گنجایش ۱۲۰۰ تا ۱۵۰۰ نیرو را دارد.

## منتظر اصلاحِ معجزه‌آسای...

وظیفه در افغانستان در ماه سپتمبر امسال وقت کارش به پایان می‌رسد، گفت: «اما اگر واقعگرا باشیم، من تا سال ۲۰۱۵ انتظار پیشرفت مهمی ندارم».
ایالات متحده امریکا تلاش دارد پیش از خروج اکثر سربازان اش از افغانستان، یک راه حل سیاسی از طریق گفت‌وگو با طالبان در این کشور پیدا شود. به این ترتیب، انتظار می رفت تلاش های بین المللی برای گفتگوهای صلح شدت بگیرد.
نماینده ویژه اتحادیه اروپا برای افغانستان گفت: «ما تحولات مربوط به دفتر (طالبان) در دوحه را زیر نظر داریم... ما می‌دانیم که صلح و مصالحه نیازمند حوصله‌مندی و پایداری است».
جامعه بین المللی در افغانستان تنها با مشکل امنیتی درگیر نیست. کشورهای کمک‌دهندهٔ افغانستان بر این کشور فشار وارد می‌کنند که با فساد مبارزه کند و زمینه برگزاری انتخابات آزاد و منصفانه ریاست جمهوری را مساعد سازد.
دیپلومات ارشد اتحادیه اروپا ابراز امیدواری کرد که حکومت افغانستان پیام جامعه بین المللی در این موارد را دریافت کند، زیرا به گفته او، بعد از این، کارها مثل گذشته نخواهد بود.
مقام های جامعه بین المللی تاکید کرده اند که ثبات آینده افغانستان بستگی به انتخابات پیش رو در این کشور دارد. تجربه انتخابات‌های گذشته نشان داده است که عدم شفافیت و تقلب های انتخاباتی می تواند به سادگی منجر به اختلاف ها در کشور گردد.
با وجود این، اوشاکاس گفت: «ما نباید انتظار اصلاح معجزه آسا و فوری امور را در چند ماه باقی مانده حکومت حامد کرزی داشته باشیم. افغانستان با وضعیت پیچیده‌یی رو به رو است. واقعیت این است که بعد از انتقال در سال ۲۰۱٤ نیز افغانستان یک دولت شکننده و منازعه زده باقی خواهد ماند».
رییس هیات اتحادیه اروپا در افغانستان تاکید کرد: «در سال ۲۰۱٤ ممکن است برای جامعه بین‌المللی جنگ افغانستان خاتمه یابد، اما علت‌های اصلی منازعه یعنی افراط‌گرایی، بی‌سوادی و فقر همچنان ادامه می‌یابند».

### پاکستان:

## سازش تنها راه تأمین ثبات در افغانستان است

به‌رغم بروز برخی مشکلات و اختلاف نظرها در روند مذاکرات صلح با طالبان در افغانستان، اسلام‌آباد بر ادامهٔ تلاش‌ها به منظور تحقق صلح و سازشگری در این کشور تأکید کرد.
سخنگوی وزارت امور خارجه پاکستان گفت: صلح و سازش تنها راه برقراری ثبات در افغانستان است. چالش‌هایی هم‌اکنون پیش رو داریم، اما برای دستیابی به ثبات در منطقه نیازمند صبر و پافشاری هستیم.
وی همچنین به مساله تعطیلی دفتر طالبان در دوحه قطر اشاره کرد و گفت: شبه‌نظامیان طالبان در اعتراض به آنچه که عهدهای وفا نشده نامیده‌اند، دفتر خود را تعطیل کرده‌اند. آنها از نام و پرچم خود در مراسم گشایش دفتر در ماه گذشته میلادی استفاده کردند؛ اقدامی که از سوی دولت کابل مورد مخالفت قرار گرفت.
تنش‌ها بر سر استفاده از نام "امارات اسلامی افغانستان" و به اهتزاز در آوردن پرچم سفید رنگ گروه طالبان بلافاصله پس از مراسم افتتاح دفترشان در دوحه، با اعتراض حامد کرزی، رییس‌جمهوری افغانستان مواجه شده و وی آن را به نوعی دولت تبعیدی طالبان در کشوری دیگر خوانده بود.
پس از تعطیلی این دفتر اقداماتی در پشت صحنه برای حل این مساله صورت گرفت، به طوری که ایالات متحده همچنان امیدوار است که این مشکل موقتی از طریق مسالمت‌آمیز حل شود و مذاکرات سازش میان طالبان و دولت افغانستان بار دیگر آغاز گردد.
سخنگوی وزارت امور خارجه پاکستان در ادامه گفت: دولت اسلام‌آباد خواهان برقراری صلح و ثبات در افغانستان است. ما امیدواریم که به رویکردی مثبت در این رابطه دست یابیم. رهبران پاکستان، تمامی موسسات دولتی و مردم این کشور خواهان افغانستان متحد و باثبات هستند.

## افزایش فشارها بر رسانه‌ها...

را از بند آزاد سازند.
بنا بر قانون رسانه‌های همه‌گانی شکایت از تخلف رسانه‌ها باید در نخستین مرحله در کمیسیون رسانه‌های همگانی مورد بررسی قرار گرفته و در صورت اثبات تخلف به مقامات عدلی ارجاع شود.
گزارش‌گران بدون مرز موج تازه خشونت علیه دست اندرکان رسانه‌ها را محکوم می‌کند.
گفتنی است که تنها در یک روز چهار ژورنالیست در کابل لت و کوب و تهدید شدند.
در تاریخ ۱۷ سرطان، محمد فهیم فطرت، گزارشگر تلویزیون یک به هنگام تهیهٔ گزارش از وضعیت ترافیک در شهر، از سوی مأموران ترافیک مورد لت و کوب قرار گرفت، در این حمله دوربین فلمبردارش شکسته شد.
خبرنگار دیگر این شبکه ادریس تیموری و حسین نظری فلم‌بردار شبکه تلویزیون ۳ سپورت، پس از شرکت در کنفرانس خبری محمد ظاهر اغبر، رییس کمیته ملی المپیک و در نزدیکی محوطهٔ چمن مورد حمله افراد مسلح ناشناس قرار گرفته و لت و کوب شدند.
در این حمله دوربین گزارشگر تلویزیون نگاه نیز از سوی مهاجمان شکست شد.
کمیته ملی المپیک با انتشار اعلامیه‌یی اعلام کرد «این رویداد به هیچ وجه قابل قبول نمی‌تواند باشد، ضمن آن‌که محکوم است، رییس اداره ورزش در یک اقدام جدی خبرنگاران محترم تلویزیون‌های ۳ و نگاه را همراه با آمر حوزه ۱٦ پولیس به حضور پذیرفته، وعده کرد که هرچه زودتر باید عامایِن این قضیه پیدا و مورد بازپرس جدی قرار گیرد.»
گزارش‌گران بدون مرز در آغاز ماه ثور سال روان با انتشار اطلاعیه‌یی نسبت به افزایش خشونت‌ها علیه روزنامه‌نگاران هشدار داده بود. از آغاز سال میلادی سازمان بیش از سی مورد خشونت علیه رسانه‌ها را شمارش کرده است.

### عبدالحمید مبارز در نخستین نشست طرح مشورتی اجندای ملی:

# امروز زمان بحث، دیالوگ و گفت‌وگو است

**یادداشت: متن سخنرانی سخنرانان نخستین نشست مشورتی طرحِ اجندای ملی پس از این به ترتیب از روزنامهٔ ماندگار به نشر می‌رسد.**
**نشست مشورتی اجندای ملی روز دوشنبه ۱۰ سرطان با حضور بیش از ۲۰۰ تن از نخبه‌گان، آگاهان سیاسی، استادان دانشگاه‌ها و دانشجویان در کابل برگزار شد.**

**جلالت‌مآبان، دانشمندان، ژورنالیسان و حضار گرامی!**

خداوند قدیر و توانا را هزاران سپاس که به ما این فرصت میسر شده تا با وجود فضای مکدر با خوف و ترس انفجار و انتحار در این تالار بزرگ و در این مجلس با شکوه گردهم بیاییم. خوشبخت هستیم که در کشور ما آزادی بیان احترام می‌شود و ما در این مجلس با آزادی و روح دموکراتیک دربارهٔ مسایل ملی، منطقه‌یی و بین‌المللی بحث را آغاز می‌کنیم.

هر چند مفهوم آجندای ملی روشن است؛ اما معنایی که ما امروز از آن افاده می‌کنیم، با اصل کلمه و معنی همیشه‌گی آن اندک تفاوت دارد. آجنداهای زیادی در کنفرانس‌ها ارایه شده؛ اما طرح ارایه شده تحت عنوان آجندای ملی، مسایل مهم ملی را با یک دید جدید مورد مباحثه قرار داده است.

به باور من، اول‌تر از همه نحوهٔ بحث و مناظره، چگونگی مناقشه و گفت‌و گو برای ما اهمیت زیادی دارد، چون تا هنوز ما با آن‌که روی مدنیت‌های درخشان باستانی این سرزمین تکیه داشته‌ایم؛ اما متأسفانه نتوانسته‌ایم با کاروان ترقی و پیشرفت جهان همراه شده و حرکت نماییم.

به قول تاینبی مؤرخ معروف امریکایی که گفته است: سرزمینی که دیروز افغانستان در آن جغرافیا قرار داشت و امروز هم قرار دارد؛ اما با این تفاوت که درساحهٔ کوچک‌تر از دیروز قرار دارد.

افغانستان از قرن شانزده بدین‌سو مورد کشمکش‌های امپراتوران فارس، مغول، ازبیک، انگلیس و روس قرار داشته و امروز در جغرافیای فعلی بسیار محدود ساخته شده است.

افغانستان ما در کشمکش‌هایی میان پاکستان، ایران، امریکا، هند، چین، فدراسیون روسیه، عربستان سعودی و ترکیه قرار دارد و این کشورها بعضاً رقابت خود را و برخی‌ها جنگ‌های نیابتی خود را در همین سرزمین که افغانستان نام دارد، انجام می‌دهند.

هر کدام از این کشورها در جست‌وجوی منافع خود اند و هیچ‌یک از آنان به منافع و مصلحت ما نمی‌اندیشند و حتا به خود حق می‌دهند تا در مسایل داخلی ما دخالت کنند و شریک باشند.

موضع جغرافیایی افغانستان بدون تردید از لحاظ جیوپولتیک، جیو استراتیژیک و جیواکونومیک ارزش به‌خصوص را نصیب کشور ما ساخته که این موضع حساس جغرافیایی می‌تواند ترقی و پیشرفت یا دشواری و مشکلات را در برابر ما قرار بدهد، درک این گونه حساسیت بود که با مهارت سیاست‌مداران افغان، افغانستان در دو جنگ جهانی کناره مانده و نتیجهٔ جنگ دوم بود که به استرداد استقلال خود نایل آمد، تغییراتی در پایان جنگ سرد به وجود آمد و افغانستان با کودتاها از موازنهٔ عنعنوی سیاسی که داشت خارج شد، افغانستان دیگر میدان رقابت‌های جدی و جنگ‌های گرم گردید و قربانی‌های بی‌شماری داد و تا هنوز موازنهٔ خود را در بین قدرت‌ها به دست نیاورده، روزبهروز مشکل افغانستان جنبهٔ منطقوی و بین‌المللی کسب می‌کند. هنوز که در داخل، مشکلات خود را حل نتوانسته‌ایم، به مشکلات منطقوی و بین‌المللی مواجه گردیدیم، وضع طوری در حرکت است که دیگر موجودیت وطن ما را به مخاطره مواجه ساخته است.

برای احتراز از این سقوط حل مشکلات داخلی که وحدت ملی وصفوف ما را مستحکم میسازد، ما را ترغیب مینماید تا راه حل را جست‌وجو کنیم و تلاش نماییم تا موازنهٔ خود را دوباره به دست بیاوریم.

همه می‌دانیم که سرزمینی که چهار راه عبور و مرور، هجوم و جنگ و شکست‌های امپراتوران بوده و مردمان زیادی طور عادی و صلح‌آمیز و مردمان دیگری در پایان این جنگ‌ها جزء باشنده‌گان این سرزمین قرار گرفته‌اند و جمعیت امروزی کشور ما ترکیبی است از اقوام متعدد، زبان‌های متعدد، فرهنگ‌های متعدد که اگر هوشیارانه از آن مثبت ارزیابی داشته باشیم، این ترکیب باعث غنای فرهنگی قدرت اجتماعی و سیاسی ما می‌گردد، ولی اگر از نگاه منفی برخورد داشته باشیم، وسیله‌یی برای تفرقهٔ ما گردیده می‌تواند که در عوض قدرت وقوت به ضعف وناتوانی ما منتج گردد.

جای خوشی است که تاریخ ثابت ساخته که اقوامی که ملت افغانستان را تشکیل داده در بین هم آن‌قدر بافت نژادی، خونی، تاریخی و فرهنگی دارند که دیگر نمی‌توانند تفکیک و جدایی را در بین شان بپذیرند.

من معتقد ام که کتله‌های بزرگ مردم ما در قبال مسایل بزرگ و مشکلات عظیم همواره یک قسم فکر کرده و یک نوع تصمیم گرفته‌اند، این گونه تشابه یا وحدت فکری بوده که شاهد پیروزی را در برکشیده اند، چنان‌چه در دوران سی سال جنگ‌های اخیر آواز جدایی دربین شان بلند نشد، مگر در بین برخی از روشنفکران، متخصصین، سیاست‌مداران این اقوام و این ملت آشنایی فکری، گفت‌وگو برای حل مسایل، بحث آزاد سیاسی بدون آن‌که به مشاجره، خصومت وجدانی انجام شود، کمتر دیده می‌شود، چنان‌چه جنگ‌های داخلی که بعد از جهاد آزادی بخش آغاز گردید، ناشی از فقدان دیالوگ وگفت‌وگو و شناخت در بین هم، نداشتن اعتماد متقابل، تأثیر برخی از قدرت‌های بین‌المللی که بعد از جهاد در این دورهٔ جدید بعد از کنفرانس بن نیز دیده می‌شود، وسیله ویرانیهای زیادی گردید و ما را در برابر روح شهیدان جهاد ملامت ساخت، تحلیل این جریان تعدادی از فرزندان این کشور را متوجه ساخت که ما افغان‌ها بعضاً قبل از آن‌که اندیشه کنیم، تفکر نماییم به‌روی احساسات و تحت تأثیرات تمایلات زبانی، نژادی، قومی ومذهبی تصمیم میگیریم و این ما را از اهداف ملی ما دور می‌سازد.

ما می‌بینیم که ناآشنایی و فاصله در بین بزرگان، سیاست‌مداران و متفکرین ما به اندازه‌یی می‌باشد که تا هنوز نتوانسته اند برای این مسایل کوچک یا بزرگ از طریق مباحثه وگفت‌وگو راه حل پیدا نمایند، چنان‌چه ما ملاحظه مینماییم که:

۱- پوهنتون یا دانشگاه در بین روشنفکران، نماینده‌گان ملت، استادان و محصلین پوهنتون‌ها و دانشگاه‌ها فاصله ایجاد کرده که قانون تحصیلات عالی در دو دوره گروگان تضاد های فکری شده.

۲- این که کلمه قوم در شناسنامهٔ‌برقی ثبت شود یانه.

۳- بعضاً از استعمال کلمهٔ افغان خودداری کرده و خود را افغانستانی می‌گوییم. این در بین تعداد دیگر ما حساسیت ایجاد می‌کند.

٤- بعضی‌ها تاریخ کشور ما را مورد سؤال قرار میدهد و ادعا می‌کنند که ما اصلاً تاریخ نداریم. به این ترتیب روی زحمات، مطالعات و کاوش‌های هیأت‌های خارجی و زحمات شادروان استاد کهزاد، شادروان حبیبی و شادروان غبار خط بطلان میکشند.

۵- تعدادی از ما رژیم پارلمانی را می‌خواهند و شماری هم به دفاع از قانون اساسی موجود رژیم ریاستی را می طلبند.

٦- اقتصاد بازار یا اقتصاد رهنمایی شده.

۷- بحث قدرت وتقسیم قدرت.

- عوامل پسمانی چه بود سلاطین، موقعیت جغرافیایی یا عوامل دیگر

۹- سیستم‌های سیاسی، حکومت مرکزی قوی، یا حکومت های ولایتی، فدرالیزم یا طور دیگر

۱۰- بنیادگرایی و سکولاریزم.

۱۱- حقوق زنان

به‌طور مثال این مسایلی است که در بین ما وجود دارد و روشنفکران به‌این مباحث طور یک‌جانبه می‌پردازند و تا حال مسایل مذکور درتحت یک سقف بحث وتحلیل نگردیده تا هنوز روح دیالوگ دربین ما مسلط نشده، تا هنوز قوم‌گرایی، سمت گرایی، دربین ما پُررنگ تر شده می‌رود، وحدت ملی ضعیف میگردد. قوم‌گرایی ما را از ملت سازی دور ساخته، دولت را ضعیف ساخته، یک‌بار دیگر اصطلاح «صاحبان نفوذ» مگر به رنگ دیگر ما را تحت سایه قرار داده، این همه مسایل طرف‌داران وابتکار کننده گان آجندای ملی را واداشت تا:

۱- اصل تفکر و اندیشه را در بین مردم خود تقویت نمایند.

۲- خانهٔ اندیشه و گفت‌وگو یا دیالوگ را تأسیس نمایند تا تحت آن سقف تمام مسایل یک، یک مورد بحث قرار بگیرد و راه حل در پایان فیصله منطقی به‌دست بیاید.

۳- آن‌هایی که بر آجندای ملی یعنی گروه رهنمایی این مباحث پیوسته یا در آینده خواهند پیوست کوچک‌ترین تمایلات قوم‌گرایی، سمت‌گرایی، زبان گرایی نمیداشته باشند، چون این فکتورها برای ناکامی کمک میکند، نه برای پیروزی.

بناءً ما که در این‌جا گرد آمده‌ایم با این برداشت از آجندای ملی حمایت کرده و این حمایت ما تحت همین شرایط ادامه پیدا می‌کند، بناءً ادعا داریم که امروز وقت بحث، مناظره، دیالوگ و گفت‌و گو است، باید تفکر و تعقل به کار رود، اندیشه و تفکر ما را یاری برساند، نه احساسات مجرد، بناءً آجندای ملی به حزبی، سمتی، زبانی، قومی تعلق نداشته هدف دارد تا: از راه گفت‌و گو وبحث ملی دولت را قوی، وحدت ملی را مستحکم و در عوض خصومت و جدایی، عشق و محبت را در بین مردم خود با نهادینه ساختن دموکراسی، آزادی بیان و فرهنگ بحث، گفت‌وگو، اندیشیدن و تفکر را رایج و نهادینه بسازد.

# لویه‌جرگه؛ سرانجامِ یک معاملهٔ پنهان

منوچهر

اکنون تصمیم حکومت مبنی بر برگزاری لویه‌جرگه قطعی شده است؛ از آن‌جا که دولت آقای کرزی اعلام کرده که به‌زودی لویه جرگهٔ سنتی برای چه‌گونه‌گیِ پیمان امنیتی میان کابل و واشنگتن برگزار می‌شود و ماجرای این پیمان نیز پایان می‌یابد.

این تصمیم خیلی از ذهن به دور نبود. از ماه‌ها به این‌سو تحلیل‌ها می‌رسانند که پیمان امنیتی، یگانه دستاویز آقای کرزی برای باج‌گیری از ایالات متحده است، که اینک با توجه به شرایط پیش‌آمده به نظر می‌رسد همه‌چیز بر وفق مراد آقای رییس جمهور می‌باشد.

نکتهٔ اول در این بحث، لویه جرگه است که برگزاری آن در آستانهٔ انتخابات ریاست جمهوری به‌شدت سوال‌برانگیز می‌نماید. اما به خاطر باید داشت که این لویه جرگه، محض خاطر پیمان امنیتی طرح نشده، بل‌که از قبل دیزاین شده بود؛ چنان‌که قبلاً هم بهانه‌یی به نام اجماع ملی برای برگزاری آن تراشیده شده بود. اما اینک دستاویز درشت‌تری در اختیار آقای کرزی قرار گرفته که با آن بهتر می‌تواند به امیال پنهانش برسد.

و اما نکتهٔ دوم پیمان امنیتی ـ که ظاهراً دلیلِ به‌هم خوردنَ روابط افغانستان و ایالاتَ متحده نیز بوده است ـ اینک در زمانی به چانه‌زنی گذاشته می‌شود که عتاب رییس جمهور کرزی مبنی بر گشایش دفتر امارت اسلامی طالبان در قطر نیز از سوی ایالات متحده پذیرفته شده و حتا آن دفتر برای مدتِ نامعلومی مسدود شده است.

پرسش این‌جاست که در دو سرِ این تعامل، چه مسایلی می‌تواند وجود داشتهَ باشد؟

از مدت‌ها به این‌سو رییس‌جمهور کرزی در پی آن بود که ایالات متحده را در انتخاباتِ پیش رو به سمتِ خود بکشاند تا از نامزد موردِ نظرِ او حمایت کند. اما این آرزو میسر نبود؛ زیرا سرمایه‌گذاری بر یکی از هم‌تیمی‌های آقای کرزی، به معنای ارتکاب اشتباه دیگر ایالات متحده در افغانستان تلقَی می‌شد. اماَ از سوی دیگر، منطقِ حضور دوام‌دار ایالات متحده در افغانستانَ، تنها پیمان امنیتی است. پیمانی که استقرار سربازهای آن کشور را در افغانستان طی یک قرارداد مشخص، تعیین می‌کند. اکنون روشن نیست که آیا ایالات متحده حاضر شده است که در برابر امضای پیمان امنیتی، از آقای کرزی و یا یکی از همراهانش در انتخابات پیش رو حمایت کند؟

ممکن این معامله به همین صراحت شکل نگرفته باشد و ایالات متحده هنوز در پی سنجشِ گزینه‌های احتمالیِ دیگر نیز باشد. اما درَ این نیز تردیدی نیسَت که در پایان، نتیجه به نفع آقای کرزی تمام می‌شود. زیرا این یکی از هوشیاری‌های آقای کرزی است که می‌تواند ایالات متحده و جامعهٔ جهانی را در شرایطی قرار بدهد تا نتیجهٔ نهایی به سود او و تیمش تمام گردد. چنان‌که در انتخابات ۱۳۸۸ این کار را انجام داد و ایالات متحده نیز بی‌هیچ واکنشی، نتیجهٔ آن انتخاباتِ پُرتقلب را پذیرفت. حالا هم بهانهٔ لویه‌جرگه، تنها مانوری است که می‌شود ایالات متحده را به‌واسطهٔ امضای پیمان امنیتی رام کرد و شرایط را طوری تنظیم کرد که ایالات متحده نیز با یک عملِ انجام‌شده روبه‌رو گردد.

گزارش‌های تأییدناشده‌یی در دست‌اند که والیان آقای کرزی از مدت‌ها قبل به دنبال افرادی‌اند که در این لویه جرگه اشتراک کنند. این افراد با اجندای حکومت، در لویه جرگه اشتراک خواهند کرد و در نهایت، تصمیم نهاییِ آقای کرزی را رقم خواهند زد.

اکنونَ می‌توان دو گزینه را به عنوان پیامد مسلم این لویه جرگه متصور بود:

۱- با توجه به نشانه‌های موجود مبنی بر ادامهٔ کار آقای کرزی، نظیر تظاهرات فرمایشی که چندی قبل در ولایات جنوبی برگزار شد و نیز اجماع ملی حکومتی که برای تعدیل قانون اساسی نقشه می‌کشد، می‌توان حدس زد که این لویه جرگه ـ با توجه به آن‌که مظهر ارادهٔ عمومی خوانده می‌شود ـ انتخابات را باطل اعلام کند و یا هم خواستار ادامهٔ کار آقای کرزی شود و این بدترین حالتِ ممکن خواهد بود.

۲- اما در بهترین حالت، معاملهٔ دوسویهٔ آقای کرزی با ایالات متحده طوری شکل می‌گیرد که آقای کرزی، مجوز امضای پیمان امنیتی را طبق میل ایالات متحده از لویه جرگه به‌دست بیاورد و ایالات متحده نیز از کاندیدای مورد نظر آقای کرزی حمایت کند.

اکنون می‌توان گفت که با برگزاری لویه جرگه، یکی از این گزینه‌ها به مرحلهٔ اجرا خواهد رسید و این برنامه‌یی است که آقای کرزی و همراهانش از ماه‌ها بدین‌سو در پی آن اند. منتها در این تعامل، تنها ضررِ موجود متوجه دموکراسی و انتخابات استَ که به همین ساده‌گی به معامله گذاشته می‌شود.

### افغان‌های مقیم فرانسه:

# با طالبان نباید معامله گردد

شماری از افغان‌های مقیم فرانسه برضد دفتر طالبان در قطر و احتمال معامله با طالبان دست به راه‌پیمایی زدند.

مظاهره‌کننده‌گان هفتهٔ گذشته گفته‌اند که کنار آمدن با گروهی که هر روز «انتحار می‌کند، سر می‌برد و هیچ رحمی برای انسان قایل نیست»، قابل قبول نمی‌باشد.

دفتر طالبان در قطر اخیراً با حضور نماینده‌گان امریکا و قطر گشوده شد. اما طالبان هفتهٔ گذشته به دلیل پایین کشیدن پرچم و لوحهٔ امارت اسلامی، دفترشان را در دوحه مسدود کردند.

افغان‌های مقیم فرانسه در راه‌پیمایی‌شان گفته‌اند که می‌خواهند سرنوشت افغانستان را به کسانی بسپارند که باور به انسانیت، دموکراسی، برابری، آزادی، همدیگر پذیری، حقوق زنان، حقوق کودکان، رسانه‌ها و مطبوعات، جامعهٔ مدنی و حقوق اقلیت‌ها ندارند.

آن‌ها گفته‌اند که نمی‌توانند در برابر این مسأله سکوت اختیار کنند.

مظاهره‌کننده‌گان در قطعنامه‌یی گفته‌اند: با هر گونه تصمیمی که منجر به برگشت طالبان متحجر و افراط‌گرا شود، به طور قطع مخالف هستیم.

در قطعنامه همچنان آمده است: از کشور قطر و سایر کشورهایی که حامی طالبان اند، می‌خواهیم که به ملت افغانستان احترام بگذارند و از این عمل ضد انسانی‌شان دست بردارند.

Year 5 ❁ NO 1098 ❁ Saturday 13 July 2013

# Mandegar DAILY

**مدیر مسؤول:** نظری پریانی – ۰۷۰۰۲۶۳۱۵۲
nazari.paryani@yahoo.com
**ویراستار :** روح الله یوسف زاده
**مدیر خبر :** امیری
**گروه نویسنده‌گان:** حلیمه حسینی،احمد عمران و کاوه جبران
**گزارشگران:** ناجیه نوری، عرفان مومند و محمد هارون مجیدی
**برگ آرایی:** عبدالوهاب حنیفی

**نشانی برقی:** mandegar.daily@gmail.com **وب سایت:** www.mandegardaily.com
**شماره تماس:** ۰۷۵۲۰۴۴۲۱۰ – هرات: ۰۷۹۳۸۹۹۴۴۶
**مسؤول توزیع:** حبیب الله – ۰۷۰۸۱۶۹۸۲۸
**نشانی:** چهارراهی حصهٔ دوم کارته پروان، سرک غربی (سمت باغ بالا) دست راست، کوچهٔ پنجم
**شماره‌گان:** ۵۰۰۰
به جز «سخن ماندگار، مسؤولیت دیگر نبشته‌ها به نویسنده‌گان بر می‌گردد.



رمضان مبارک

کریدت اضافه کنید و از فواید ذیل مستفید شوید

- دو چند تماس تیلفونی
- تماس رایگان به ۷۸۶

(شنیدن به قرآن کریم، حدیث شریف وغیره)

افغان بیسیم
ارتباط دهندهٔ افغانستان
Afghan Wireless
Connecting Afghanistan

در ماه مبارک رمضان وقت تان را در عبادت خالق تعالی سپری کنید و با افغان بیسیم در تماس باشید.

کریدت کارت تان را انتخاب کنید و همین حالا در حساب تان کریدت اضافه کنید

| مقدار کریدت | کریدت معین | کریدت با انعام | تماس رایگان به ۷۸۶ | نرخ تماس به ۷۸۶ بعد از ختم دقایق رایگان |
|---|---|---|---|---|
| ۵۰ افغانی | ۵۰ افغانی | ۱۰ افغانی | ۵ دقیقه | ۶ افغانی فی دقیقه |
| ۲۵۰ افغانی | ۲۵۰ افغانی | ۷۵ افغانی | ۵ دقیقه | ۶ افغانی فی دقیقه |
| ۵۰۰ افغانی | ۵۰۰ افغانی | ۲۰۰ افغانی | ۵ دقیقه | ۶ افغانی فی دقیقه |
| ۱۰۰۰ افغانی | ۱۰۰۰ افغانی | ۴۰۰ افغانی | ۵ دقیقه | ۶ افغانی فی دقیقه |
| ۲۵۰۰ افغانی | ۲۵۰۰ افغانی | ۱۲۶۰ افغانی | ۵ دقیقه | ۶ افغانی فی دقیقه |
| ۵۰۰۰ افغانی | ۵۰۰۰ افغانی | ۵۰۰۰ افغانی | ۵ دقیقه | ۶ افغانی فی دقیقه |

کریدت با انعام و تماس های رایگان به ۷۸۶ الی ۴۸ ساعت مدار اعتبار است
(مدت اعتبار آن ساعت ۲۳:۵۹ روز بعد ختم می شود)

برای معلومات بیشتر به **۱۵۲** به تماس شوید و یا به www.afghan-wireless.com مراجعه کنید